

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال یازدهم، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۰

<p>صاحب امتیاز: پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛</p> <p>مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان</p> <p>سر دبیر: سعید توسلی خواه</p> <p>مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی</p> <p>ویراستار: محمد رضا مجیری</p>	<p>اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا): توسلی خواه، سعید (دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>حیدری چراتی، حجت (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>کامیاب، مسلم (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)</p> <p>مصلحی، علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)</p> <p>معنوی، سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)</p> <p>ملایی، حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت)</p>
---	---



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdavimag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mahdimag.ir

کانال مجازی: [@mahdaviatmag](https://t.me/mahdaviatmag)

شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶

قیمت: ۹۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.

۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.

۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:

- ۴-۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
- ۴-۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
- ۴-۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
- ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.
- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان

می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۱-۶. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۲-۶. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۳-۶. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۱-۷. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۲-۷. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۳-۷. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۴-۷. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۱-۲. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۳-۲. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۴-۲. از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag

فهرست مطالب

- مقالات ۵
- آموزه‌های غدیر و نفی انحرافات فکری در بحث امامت و مهدویت ۷
جواد اسحاقیان درجه - حجت حیدری چراتی
- تأثیر مهدی‌باوری در تکامل اخلاق فردی از نظرگاه رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی ۲۱
معصومه قاسم فام - مرضیه قاسم فام
- راهکارهای مقابله با شبهه‌افکنی فضای مجازی در آموزه مهدویت ۴۱
مصطفی ابراهیمی
- بررسی روایات مذمت فقهای آخرالزمان ۶۵
سید علی کاظمی
- پیوست‌ها ۸۷
- معرفی موضوعات پژوهشی ۸۹
- معرفی پایان نامه‌های مهدوی ۹۰
- معرفی کتاب‌های مهدوی ۹۶
- ترجمه چکیده مقالات - انگلیسی ۱۰۴

مقالات

آموزه‌های غدیر و نفی انحرافات فکری در بحث امامت و مهدویت

جواد اسحاقیان در چه^۱

حجت حیدری چراتی^۲

چکیده

غدیر در جایگاه واقعیتهای مهم در تاریخ اسلام، نقطه عطفی در تبیین امامت و استمرار حرکت اسلامی بوده است. حضرت رسول ﷺ بر اساس دستور الهی، ارتباط وثیق امامت و ولایت را با حاکمیت و اداره امور دنیایی ترسیم فرمودند؛ مبنی بر اینکه محور و معیار حق، همان صراط مستقیم الهی در قالب حجت‌های معصوم است و این سیر تا آخرالزمان و امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه ادامه خواهد داشت؛ بنابراین بر اساس متون غدیر، از جمله خطبه غدیر و زیارت غدیریه، نظریات انحرافی همچون سکولاریسم، پلورالیسم، قرائت‌های متفاوت از دین، تسامح در ارتباط با دشمنان و مخالفان و برداشت‌های غلط از خاتمیت و مهدویت، باطل خواهد شد.

واژگان کلیدی: خطبه غدیر، زیارت غدیریه، ولایت، امامت، انحرافات فکری، خاتمیت، مهدویت.

۱. استادیار گروه اخلاق و متون اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت. assmerra@yahoo.com

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. hojatheidari@gmail.com

رویکرد صحیح در موضوع ولایت و امامت، آن است که ولایت الهی و خدامحوری در رأس اعتقادات شیعی بوده است. در برابر رویکردهای انحرافی که در مورد جایگاه و نقش دین در زندگی دارد، لازم است بر اساس متون دینی، خصوصاً نصوص مربوط به غدیر، نگاه صحیح به دین و برداشت واقعی از آن و نیز جایگاه اولیای الهی و همچنین نسبت این‌ها با حاکمیت و مسائل اجتماعی روشن شود. از آنجا که استمرار ولایت و امامت تا آخرالزمان و مهدویت امتداد دارد، پرداختن به موضوع مهدویت و خاتمیت با توجه به نصوص مذکور اهمیت دارد. با روشن شدن این محورها اوصاف و ویژگی‌های حاکمیت و حاکمان اسلامی بر اساس مفهوم غدیر هم روشن می‌شود.^۱ در این راستا به دنبال آن هستیم که پیام‌های غدیر را بر مبنای حقایق خطبه غدیر^۲ و زیارت غدیریه^۳ و دیگر متون مربوط به حضرت امیر علیه السلام اقتباس کنیم، تا پاسخی در برابر رویکردهای انحرافی در موضوع ولایت و مهدویت باشد. در این صورت روشن می‌شود که احیای امر اهل بیت علیهم السلام و رساندن پیام غدیر به چه معنا بوده است.^۴

راهبردهای مواجهه غدیر با انحرافات

۱. نفی قرائت‌های مختلف از دین

تفسیر نادرست مفاهیم دینی که ناشی از عواملی چون بدفهمی یا غرض‌ورزی است، مشکلات و خطراتی جدی بر جامعه دین‌داران تحمیل می‌کند. برای جلوگیری از آسیب اعتقادی در اجتماع دینی،

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی برای روشن کردن دیدگاه خود در مورد ولایت و امامت می‌فرماید: «لیس امری و امرکم واحدا؛ انی اربدکم لله و انتم تردوننی لانفسکم؛ هدف من و شما [گروه‌های فرصت‌طلب و مدعی] یکی نیست. من شما را نه برای خودم و نه برای خودتان، که برای حق می‌خواهم؛ در حالی که شما مرا برای خویشتن و منافع خود خواستارید»: نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۳۶.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۶.

۳. مفاتیح الجنان.

۴. عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْبَبْنَا أَهْرَنًا. قُلْتُ: كَيْفَ بُحِيي أَهْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ اباضلت هروی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند، رحمت کند آن کس که امر ما را زنده نماید». از ایشان پرسیدم: «چگونه امر شما را زنده کند؟» امام فرمود: «با فراگیری تعالیم ما و یاد دادن و رساندن آن به مردم؛ چراکه اگر مردم، محاسن و برتری کلام و روش ما را می‌دانستند، بدون شک از ما تبعیت می‌کردند»: بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰.

قبل از هر چیز نیازمند فهم صحیح مفاهیم دینی می‌باشیم. در این راستا ابتدایی‌ترین و صحیح‌ترین اقدام، رجوع به منابع اصیل دین (کتاب و سنت) است. در خطبه غدیر آمده است: «هان مردمان، همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران‌سنگ کوچک‌ترند و قرآن یادگار گران‌سنگ بزرگ‌تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می‌دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد، تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.»^۱

در مواردی مشاهده شده که با ارایه برداشت‌ها و قرائت‌های جدید و خودساخته از مفهوم امامت، قلب ماهیتی در چپستی این مقام به وجود آمده است؛ مثلاً تفسیر مقام امامت به یک مقام باطنی و محدود کردن آن به ارتباطات شخصی، تفسیری است که نه تنها دلیل شرعی معتبری ندارد؛ بلکه - به عکس - با بسیاری از نصوص از جمله خطبه غدیر و آموزه‌های متقن شیعی مغایرت دارد؛ برای نمونه در زیارت غدیری صفات امیرالمؤمنین نشان دهنده جایگاه اجتماعی حکومتی و دیگر ابعاد این مقام بلند است.^۲ امام عصر عجل الله فرجه نیز در آموزه غدیر به عنوان تنها حقیقت و نسخه جامع اسلامی در آخر الزمان است. در بخشی از خطبه غدیر آمده است:

آگاه باشید البتّه! آخرین امام زمان قائم (مهدی) است ... آگاه باشید او حامی دین خداست. ... آگاه باشید او معرف هر صاحب فضیلتی است به برترینش، و هر نادان بی فضیلتی است به نادانی‌اش ... آگاه باشید او رشید و رهسپار صراط مستقیم و استوار است ... او حجت پایدار خداوند است که حجت دیگری بعد از او نیست؛ زیرا حقی نیست که با او نباشد و نوری نیست که همراه او نباشد.

۲. رویکرد حق‌گرایانه در مقابل تکثرگرایی (پلورالیسم)

واژه پلورالیسم (pluralism) از پلورال (plural) به معنای تجمع و کثرت می‌باشد و پلورالیسم یا

۱. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمْ الثَّقَلُ الْأَضْعَرُّ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ».

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا [بر تو باد]. سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان، ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر بندگان».

کثرت‌گرایی که نقطه مقابل حصرگرایی (وحدت‌گرایی) است.^۱

پلورالیسم دینی در باب تکثر ادیان، یکی دیگر از رویکردها می‌باشد که امروزه بر سر زبان‌ها جاری است. کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای در باب حق بودن ادیان و محق بودن دین‌داران است. کثرت‌گرایان معتقدند ادیان مختلف، می‌تواند پاسخ‌ها و واکنش‌های گوناگونی نسبت به واقعیت غایی، در راه رستگاری انسان باشند.^۲

در خطبه غدیر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ضمن معرفی صراط مستقیم و نصب امام علی علیه السلام به عنوان جانشین، به ائمه پس از ایشان تا وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه تصریح می‌کند و اینکه هرکس از این مسیر خارج شود و دیگر راه‌ها را برود، گمراه است؛^۳ از این رو غدیر مبتنی بر تعیین امامان و مشخص کردن خلفای دینی است و مسئله خلافت و حکومت، به نظرات و برداشت‌های مختلف نسل‌های بعدی واگذار نشده است. در خطبه غدیر آمده است:

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده است و پس از من، علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.^۴

در زیارت غدیریه نیز بر لزوم تمسک به راه حق که واحد می‌باشد، تأکید شده است: «السلام علی دین الله القویم و صراطه المستقیم».^۵ در این فراز، راه مستقیم الهی همان راه امیرالمؤمنین علیه السلام است و نشان می‌دهد ادعای وجود صراط‌های مستقیم^۶ و تعدد راه حق، نظریه‌ای باطل است. روح اصلی غدیر، ولایت و امامت است و همچنان که در یکی از فرمایش‌های حضرت فاطمه علیها السلام

۱. حبیب، فرهنگ حبیب، ص ۴۶۸.

۲. ر.ک: صادقی، پلورالیسم: دین، حقیقت، کثرت، ص ۵۵ نیز: لگنهاوزن، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ص ۳۶.

۳. در حدیث ثقلین نیز که متواتر است، تنها راه هدایت را قرآن و اهل بیت دانسته است و این راه را صراط مستقیم می‌داند: «أئی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدأ لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».

۴. «معاشیر الناس، أنا صراط الله المستقیم الذی امرکم باطباعه، ثم علی من بعدی. ثم وُلدی من صلیه ائمة (الهدی)، یهدون الی الحق و به یعدلون».

۵. «سلام بر دین محکم الهی و راه مستقیم وی».

۶. ر.ک: سروش، صراط‌های مستقیم، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۷.

آمده است: «امامتنا امانا من الفرقه»^۱ امامت اهل بیت (علیهم السلام) حافظ و نگهدار جامعه اسلامی از اختلاف است. غدیر به معنای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان نیست، غدیر مایه اتحاد و وحدت مسلمانان است؛ چون امامت، محور اتفاق و وحدت مسلمانان است. اگر همه مسلمانان در واقع براساس امر نبی خاتم (ص) و اطاعت امر ایشان ولایت ائمه (علیهم السلام) را بپذیرند و به ولایت معصومان تن بدهند، قطعاً جامعه اسلامی به وفاق و اتفاق نظر خواهد رسید. در واقع، روح غدیر، حاکمیت آموزه‌های اسلامی در همه مناسبات سیاسی و اجتماعی و فردی مسلمانان است؛ بنابراین غدیر و پیام امامت هرچند تکیه بر امامت خاص است و از تکثر حق فاصله می‌گیرد و در ظاهر به نظر می‌رسد که منجر به افتراق می‌شود، به دلیل محتوای معرفتی و توحیدی و انسانی‌ای که دارد، جامعه و گروه‌های مختلف را به سمت اتحاد می‌برد؛ زیرا لزومی ندارد برای همگرایی گروه‌های مختلف به تکثر عقاید قائل شویم؛ بلکه پیام انسانی و الهی مشترک، خود بهترین عامل همگرایی است. در خطبه غدیر نیز مواردی در این موضوع مشاهده می‌شود:

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار. آگاه باشید که تمام گذشتگان، ظهور او را پیش‌گویی کرده‌اند.^۲

نکته دیگر که در کنار دفع پلورالیسم در این عبارات مشهود می‌باشد، این است که میدان دادن به فضایل و ارزش‌ها و عدالت در همه موارد و نیز اتحاد در موعودگرایی مشاهده می‌شود و این موضوعات در مکاتب مختلف، دارای اختلاف و تکثراتی است؛ اما حقیقت و خالص آن، باعث همگرایی خواهد بود.

۳. نفی سکولاریسم

سکولاریسم^۳ عقیده‌ای است مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی. این تفکر به صورت کلی ریشه در عصر روشنگری در اروپا دارد. در لائیسیتیه اروپایی بحث شده که سکولاریسم یک جنبش به سوی مدرنیته و دور شدن

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. «أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ».

۳. به فرانسوی: sécularisme.

از ارزش‌های دینی است.^۱

بر اساس پیام غدیر و دیگر متون اسلامی تمام ابعاد از جمله جنبه‌های سیاسی اجتماعی در نظام و حاکمیت دینی به اصل دین پیوستگی و وابستگی دارد. بخشی از این پیوند در قالب تحقق امامت و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) و لزوم حاکمیت آنها^۲ در این دنیا محقق می‌شود. در زیارت غدیریه می‌خوانیم: «گواهی می‌دهم تو امیرالمؤمنین به حق هستی که بر امت بیعت گرفت».

ذکر این نکته لازم است که لقب امیرالمؤمنین به عنوان لقب مهم حکومتی و حاکمیتی است که به امور دنیوی هم ارتباط تام دارد: «مولای من حقا که خدا تو را در دنیا و آخرت رفعت داده است».

جنبه دیگری از پیوند دین و دنیا آن است که حاکم الهی باید به قوانین و دستورات دینی در تمام ابعاد آن آشنایی و تخصص داشته باشد تا در عمل، حاکمیت دین محقق شود؛ از این رو در بخشی از زیارت مذکور بیان می‌کند: «تویی دادگر در میان ملت و آگاه به مقررات خدا».^۳ بر اساس این فراز، زندگی شخصی و حکومتی حضرت امیر (علیه‌السلام) مبتنی بر معیارهای الهی و دینی است و مردم هم از این حاکم باید مقررات الهی را طلب کنند، نه قوانین و احکام قراردادی و بشری. حضرت امیر (علیه‌السلام) در عرصه‌های مختلف اجتماعی و حکومتی بر اساس قوانین الهی عمل می‌کنند.^۴ حضرت حاضر نمی‌شوند غیر از منابع قرآن و سنت زیربنای دیگری را برای خلافت بپذیرند. یکی از افراد شورای شش نفره برای خلافت به حضرت عرض می‌کند: «باید در میان ما به روش کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره دو خلیفه اول عمل کنی». حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «هر اندازه که بتوانم، مطابق کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل می‌کنم... بی‌گمان، با بودن کتاب خدا و سنت پیامبرش، به سیره کس دیگری نیاز نیست».^۵

در فراز دیگر زیارت غدیریه در مورد اجرای عملی سنت‌های دینی و معیار بودن اوامر الهی از سوی

۱. نجفی، تمدن برتر، ص ۱۸۱.

۲. و در روایات آمده که اهل بیت (علیهم‌السلام) امنای الهی در خلق و حاکمان وی در زمین هستند.

۳. «أَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ».

۴. این در حالی است که امروزه برخی از کشورهای منطقه با وجود اسلامی بودن و مسلمان بودن حاکمان، بر اساس قوانین غیر دینی و لائیک عمل می‌کنند.

۵. رک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲؛ آمالی طوسی، ص ۵۵۷، ح ۱۱۷۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵۳.

حضرت، آمده است:

در دفاع از دین، سرسخت‌ترین ایشان، با کوشش حدود خدا را به پا داشتی و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشت‌هایت شعله جنگ‌ها را خاموش ساختی و با بیانت پرده‌های شبهه را دریدی و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای تو را از راه خدا نگرفت.^۱

بنابراین مسائل جهادی، دفاعی و سیاسی با تمام عرصه‌های زندگی حضرت امیر علیه السلام آمیخته است. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:^۲

هر کس برای دفاع از حق و حقوقش [چه حقوق معنوی یعنی کرامت و عزت انسانی و چه حقوق مادی‌اش یعنی در مبارزه با ظلم] کشته شود، شهید راه خداست.^۳

حضرت امیر علیه السلام در مورد شیوه حکومتی می‌فرمایند:

در حکومت اسلامی کسی که بخیل است و حرص می‌ورزد و چشم کج در مال مردم و نگاه تحقیرآمیز به حقوق مردم دارد، نباید مسئول باشد. افراد جاهل و قشری و عوام حق ندارند وارد حکومت دینی شوند.^۴

بدین معنا که هر کس سنت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را تعطیل می‌کند؛ یعنی در حکومت با قانون بازی می‌کند و قانون الهی را بر اساس میل خود اجرا می‌نماید. امیرالمؤمنین علیه السلام به آن‌ها اجازه نمی‌دهند در حکومت دینی وارد شوند.

در این راستا حضرت، انحرافات و هوای نفسانی را از عرصه حاکمیت می‌زداید. امام علی علیه السلام در این باب می‌فرمایند:

خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع

۱. «أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَ أَدْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ [بِجَهْدِكَ] وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ تُخَمِدُ لَهَبَ الْخُرُوبِ بِبِتَانِكَ وَ نَهْتِكَ سُورَ الشَّبَهِ بِبِتَانِكَ وَ تَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ ضَرْبِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِظُ الْوَأَصِيفِينَ.»
۲. البته اصل روایت به واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و مورد تأکید حضرت امیر علیه السلام بوده است.

۳. «من قتل دون حقه فهو شهيد»؛ کنز المعال، ج ۴، ص ۴۲۰، ح ۱۱۲۳۶.

۴. «و لا الحافي و لا الحسائف و لا المرتشي و لا المعطل للسنة؛ افراد رشوه‌خوار و تعطیل‌کننده سنت‌ها و قوانین اسلامی هم حق ندارند در حکومت باشند»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲.

هوا ساخته‌اند و رأی آنان را پیرو قرآن نماید، و آن، هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده‌اند.^۱

در حکومت مهدوی نیز محوریت منابع اسلامی، امری مسلم است. پیامبر ﷺ فرمودند: «او [مهدی] از من است. خداوند، مرا و آیین مرا به وسیله او حفظ می‌کند. و او به سنت و روش من عمل می‌نماید».^۲ در مرحله عمل، حضرت حجت ﷺ احیاکننده احکام اسلام هستند.^۳ بنابراین در منطق ولایت و غدیر، دین و حاکمیت دینی با مسائل حقوقی و سیاسی-اجتماعی آمیخته است و در تمام عرصه‌ها معیارهای دینی حاکم است و اشخاص ملتزم به دین باید قرار بگیرند؛ نه اینکه تنها نام دین، زینت‌بخش باشد.

۴. اصل غلبه و استیلا بر کانون‌های انحراف

جریان مستمر امامت بر نفی ظلم و مقابله با کانون قدرت‌های جائر بوده است؛ زیرا امامت و خلافت در استمرار نبوت است که بر اساس منطق قرآن، ارسال انبیا، برپایی قسط و داد را دنبال می‌کند.^۴ در مورد غلبه حزب امامت و ولایت در خطبه آمده است:

هان! به خدا سوگند، این سوره^۵ درباره من نازل شده و شامل امامان می‌باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی بر ایشان نیست. آگاه باشید، البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین هستند.^۶

شئونی از امام زمان ﷺ در خطبه غدیر هم دلالت بر این غلبه می‌کند:

۱. «يعطف الهوى على الهدى اذ عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۲. نیلی نجفی، منتخب الاثر، ص ۳۱۰.
۳. «مَجْدِدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ... وَ سَنَى نَبِيَّكَ؛ و تازه‌کننده احکام تعطیل شده از قرآن تو... و سنت پیغمبرت باشد».
۴. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ * وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ * إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» سوره حدید: ۲۵.
۵. آیاتی از سوره مائده.
۶. «فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (والله) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ حَصَّتْ، أَوْلَتْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ جُزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْعَاوُونَ».

آگاه باشید که امام زمان عجل الله فرجه انتقام‌گیرنده از ستمکاران است^۱... آگاه باشید که او فاتح دژها و منهدم‌کننده آن‌ها است.^۲

این فرآیند از ویژگی‌های آن حضرت، نشان‌دهنده آن است که دنیای قبل از ظهور ایشان، دارای ویژگی‌های خاصی است که سبب شده است پیامبر ص آن بزرگوار را این‌گونه و با این صفات با اقتدار معرفی کنند. اخبار فراوانی از عامه و خاصه نمایانگر این است که دنیای قبل از ظهور ایشان، جولانگاه ظالمان، مشرکان و بی‌دینان است؛ کسانی که با در دست داشتن قدرت، پیوسته در حال ظلم و خیره‌سری در دنیا هستند؛ لذا پیامبر اکرم ص آن بزرگوار را این‌گونه با صلابت و هیبت معرفی می‌کنند.

اما در مورد نوع و شیوه غلبه، بسیاری از افراد غالب و پیروز، ویژگی‌های هادی بودن را ندارند؛ یعنی خیلی از افراد نمی‌توانند همه صفات متفاوت را با هم و در آن واحد در وجودشان داشته باشند؛ ولی ائمه ع دارای این نوع ویژگی‌ها هستند؛ مثلاً امیرالمؤمنین ع هم یک جنگجوی شجاع به تمام معناست و هم وقتی یتیمی را می‌بیند، پشتش به لرزه درمی‌آید و گریه می‌کند. امام زمان ع هم جامع این دو صفت متضاد است؛ یکی «غالب کُلِّ قَبِيلَةٍ» و دیگری «هادیها» است؛ یعنی ضمن اینکه غلبه دارد، ولی با قهر و غلبه، آن‌ها را از بین نمی‌برد؛ بلکه هدایت می‌کند.

قرآن نیز نتیجه این غلبه و تمکین یافتن دین در دوران ظهور را ایجاد امنیت همه‌جانبه دانسته است.^۳ بنابراین غلبه و استیلای دینی و حاکمیت دین - که کمالش در دوران ظهور می‌باشد - با رحمت و برخورداری مردم و امنیت آمیخته است و از نظر ماهیت و نتایج با نوع حاکمیت‌های قهر و غلبه‌ای که همچون تکفیری‌ها به نام اسلام انجام می‌دهند، کاملاً متفاوت است.

۵. مرزبندی با دشمن

قرآن به عنوان منبع اصلی تبیین امامت و ولایت، همواره بر جدا کردن جبهه حق و باطل و نیز لزوم

۱. «أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

۲. «أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا».

۳. وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ سوره نور، آیه ۵۵.

مرزبندی با دشمن و عدم تولی نسبت به آنان تأکید دارد. یکی از این تأکیدها در آیه اول سوره ممتحنه است.^۱

غالب مفسران تصریح کرده‌اند که آیات اول این سوره درباره حاطب ابن ابی بلتعنه، نازل شده است. وی به دلیل مصالح خانوادگی خود نامه پنهانی به شخصی داد تا به مکه برساند و در آن نامه، اخبار حکومت اسلامی را افشا کرد. وقتی کار او افشا شد، به پیامبر ﷺ عرض کرد: «من خیانت کار نیستم، فقط برای حفظ خانواده به مشرکان نزدیک شدم».

در این واقعه، حرکتی از ناحیه یکی از مسلمانان صادر شد که به قصد جاسوسی نبود؛ ولی اظهار محبتی به دشمنان اسلام محسوب می‌شد؛ لذا آیات فوق نازل گردید و به مسلمانان هشدار داد که از تکرار این گونه کارها در آینده بپرهیزند. در آیه بعد برای تأکید و توضیح بیشتر می‌افزاید: شما برای چه با آن‌ها طرح دوستی می‌ریزید؟ اگر آن‌ها بر شما مسلط شوند، دشمن شما خواهند بود، و دست و زبان خود را به هرگونه بدی بر شما می‌کشایند.

در روایات نیز این مرزبندی مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین ﷺ فرموده‌اند: «لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا یدخل النار الا من انکرهم و انکره». ^۲ ملاک ورود به بهشت، عرفان و شناخت متقابل در مورد اهل بیت ﷺ است و انکار نیز ملاک ورود جهنم است. در خطبه غدیر نیز مواردی وجود دارد که لزوم شناخت دقیق مرزها و التزام به آن برجسته است: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله».^۳

در این یاری موالیان ولایت و دوری از مخالفان ولایت، پیامی است که نشان‌دهنده لزوم صف‌بندی و مشخص شدن مواضع افراد در این موضوع است. لازمه این محبت با ولی الله فرمان بردن و پیروی کردن از او است و علامت این نوع محبت هم پیروی کردن و متابعت از دوستان مقرب و فرستادگان اوست. در زیارت غدیریه امام هادی ﷺ نیز معیارهای مرزبندی وجود دارد: حضرت امیر ﷺ ایمان و تصدیق به حق را داشت؛ در حالی که دیگران منکر بودند و این‌ها بیان معیار شناخت اولیای حق و

۱. یا أَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا...

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

۳. «بارالها، دوست بدار هر که علی را دوست دارد، و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد، و یاری کن هر که علی را یاری می‌کند، و خوار و تنها گذار هر که علی را خوار و تنها گذارد».

تمسک به آن‌هاست.^۱

یکی دیگر از نمونه‌های بیان شاخص و مرزها در زیارت غدیریه، ذکر نام و ماجرای عمار است که در میان بسیاری از صحابه تنها از وی نام برده می‌شود. او بر اساس روایات پیامبر ﷺ معیار تشخیص جبهه حق بود و با اقداماتی که انجام داد، به شناسایی جبهه حق کمک کرد.^۲

۶. برداشت انحرافی از امامت و شبهات نفی خاتمیت

با توجه به اینکه برخی اشخاص نظریاتی مطرح کردند که در قالب آن، ولایت ائمه و خصوصا مهدویت را با خاتمیت در تضاد دانسته‌اند، با مراجعه به نصوص مربوط به غدیر روشن می‌شود ولایت ائمه هدی و مهدویت، در حقیقت، معنابخش و تحقق‌دهنده خاتمیت است.

بر اساس زیارت غدیریه، پیغمبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را نسبت به خود در مقامی همانند مقام هارون به موسی نشاندهند و به ایشان گفتند: «تو از منی به منزله هارون نسبت به موسی، جز آنکه بعد از من پیغمبری نیست».^۳

۱. «أَمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ، وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكْذِبُونَ...».

۲. «لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّوْبِيلِ وَ عَدُوكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاغِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ يَدْعُو بِاطِلَا وَ يَحْكُمُ جَائِرًا وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَمَّا اسْتَشَقَى فَسَقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ آخِرُ سَرَابِكِ مِنَ الدُّنْيَا صَبَاحُ مِنْ لَبَنٍ؛ ...توراست [ای امیرالمؤمنین] پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن، و توراست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تآویل. و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است، دعوت می‌کند دعوت باطل، حکومت می‌کند به ستم، فرمان می‌دهد غاصبانه، دارودسته‌اش را به دوزخ می‌خواند؛ درحالی که عمار جهاد می‌کرد و میان دو لشکر فریاد می‌زد: «کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت» و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: «رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش - به من فرمود: آخرین نوشیدنی‌ات از دنیا مخلوطی است از شیر، و تو را گروه متجاوز به قتل می‌رساند». پس ابوالعادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت. بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران؛ ابن المشهدی، المزار الکبیر، ص ۲۷۷.

۳. « وَ أَخْلَهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي...».

بر این اساس پیامبر ﷺ در حدیث منزلت^۱ خاتمیت خویش را به وسیله تعیین امامت و جانشینی خود تبیین می‌کنند و در عین حال عدم نبوت پس از خود را مورد تأکید قرار می‌دهند. از سوی دیگر پیامبر بزرگوار ﷺ در خطبه غدیر به معرفی آخرین وارث انبیا و اولیای الهی پرداختند. خبر دادن از مهدی موعود ﷺ بیانگر آینده‌نگری اسلام و برنامه بلندمدت دین الهی برای مسلمانان است؛ با توجه به اینکه جانشینی و وراثت ایشان شامل ولایت هم هست. در واقع، این خطبه، اثبات‌کننده امامت، خاتمیت و قائمیت حضرت صاحب الزمان ﷺ بوده و آن‌ها را در یک مسیر نشان می‌دهد که همان ولایت الله است.

«ای مسلمانان بدانید که پایان خاتم ائمه و آخرین نفر از ائمه، از ماست و او کسی نیست جز حضرت مهدی قائم». بنابراین پیامبر به امامت و ولایت حضرت تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که منجی عالم از نسل پاک پیامبر و امام علی و حضرت فاطمه علیها السلام است. ایشان از کلمه قائم و مهدی در این خطبه استفاده کرده‌اند. همچنین فرمودند: «بدانید که او حجت ابدی است و پس از او حجتی نخواهد بود. حقی نیست، مگر با او، و نیرویی نیست، مگر در دست او». نتیجه این خطبه، آن است که همیشه باید یک حجت الهی روی زمین وجود داشته باشد و به ضرورت وجود حجت الهی تأکید می‌کند. بقای حجت الهی نشان دهنده وجود همیشگی آن بر روی زمین بوده و دارای عمری طولانی است. همچنین خاتمیت در این حجت، نشان‌دهنده آخرین حجت الهی بودن ایشان است. پیامبر ﷺ در این خطبه تأکید می‌کند که حجت واقعی، وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است و غیر از مهدی حجتی نخواهیم داشت. بنابراین اگر ادیان و مکاتب الهی ادعاهای زیادی در این خصوص داشته باشند، پیامبر ﷺ به همه آن‌ها پاسخ می‌دهند که حقانیت فقط برای مهدی موعود علیه السلام است. با تبیین امامت و مهدویت در آموزه غدیر، راه بر ادعای نبوت و رسالت جدید بسته می‌شود.

۱. این حدیث متواتر است: «ما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛ آیا راضی نمی‌شوی به این که جایگاه تو نسبت به من مانند جایگاه هارون به موسی باشد مگر این که بعد از من پیامبری نیست؟» مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۴۱۷؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۲۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۳۸؛ کافی، ج ۸، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ باقلانی، کتاب تمهید الاوائل و تلخیص الدلائل، ص ۴۵۷؛ قاضی عبد الجبار بن احمد، المغنی، ج ۱۰، قسم ۱، ص ۱۵۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی، ج ۴، ص ۴۶۵؛ فخررازی، البراهین، ج ۲، ص ۲۵۷؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۹۶.

نتیجه‌گیری

آموزه‌های غدیر نشان می‌دهد تعیین امامت و جانشینی حجج الهی که بارها از سوی پیامبر -از جمله در غدیر خم و به دستور الهی- انجام شده و تبیین‌کننده تمام ابعاد دینی و دنیایی ولایت معصومان است و اینکه مشروعیت حاکمیت و قدرت در حکومت اسلامی مبتنی بر نصب الهی است. بر اساس معیارها و شاخصه‌هایی که ائمه علیهم‌السلام ارائه نموده‌اند، مؤمنان وظیفه دارند همواره در کنار آن‌ها و مطیع ایشان باشند و از قرائت‌ها و برداشت‌های انحرافی از اسلام دوری کنند. تفسیر صحیح غدیر باید در منابع رسمی و متقن آن جست‌وجو شود که همین منابع، امامت و مهدویت را مکمل خاتمیت دانسته‌اند و در عصر حاضر و زمان‌های آینده این آموزه‌ها راه‌گشا خواهد بود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغة

مفاتیح الجنان

۱. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، صدقی محمد جمیل العطار، دار الفكر، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق مصطفی دیب البغا، دار ابن کثیر و الیمامة، چاپ چهارم، دمشق و بیروت، ۱۴۱۰ق.
۳. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد (مدینة السلام)، دار الکتب العلمیة، ۱۹ جلد، بیروت، بی تا.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، دار إحياء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵. تفتازانی، سعد الدین، شرح المقاصد، الشریف الرضی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۶. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، تحقیق: عبد الأمير مهتا، أعلمی، ۲ جلد، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۷. حبیب، سلیمان، فرهنگ حبیب، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۶۶.
۸. سروش، عبدالکریم، صراطهای مستقیم، موسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۸۷.
۹. صادقی، هادی، پلورالیسم؛ دین، حقیقت، کثرت، مؤسسه طه، بی تا.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، أمالی، دارالثقافة، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. قاضی عبدالجبار بن احمد، المغنی، خطیب بغدادی، بی تا.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵.
۱۴. لگنهاوزن، محمد، کثرت گرایي دینی، ترجمه: نرجس جواندل، موسسه طه، بی تا.
۱۵. متقی الهندی، علی، کنز العمال، بکری حیانی و صفوة السقاف، مؤسسه الرسالة، چاپ پنجم، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۷. نجفی، موسی، تمدن برتر، چاپ دوم، آرما، ۱۳۹۰.

تأثیر مهدی‌باوری در تکامل اخلاق فردی از نظرگاه رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی

معصومه قاسم فام^۱

مرضیه قاسم فام^۲

چکیده

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به تأثیر مهدی‌باوری در تکامل اخلاق فردی در پرتو بیانات رهبر معظم انقلاب مد ظله‌العالی پرداخته است. اعتقاد به مهدویت، اثر فزاینده روانی و جسمی در معتقدان دارد و آن‌ها را در برابر امواج نیرومند فسادهای بیرونی و درونی عالم هستی بیمه می‌کند. نتایج حاصل از نوشتار حاضر این است که بر پایه فرموده‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی ایجاد و تقویت جهان‌بینی دینی و تقرب الی الله و ایجاد اعتقاد راسخ به امام و پیوند مستمر با آن حضرت، از پیامدهای باورداشت به مهدویت در عرصه تکامل اخلاق معرفتی فردی است. از مصادیق این تأثیرگذاری در تکامل عملی و رفتاری، عبارت است از: خودسازی، امیدواری به آینده‌ای روشن و مبارزه با یأس و ناامیدی، صبر و پایداری در برابر ناملایمات برای فردایی روشن، ایجاد حرکت مضاعف و رشد و نشاط بیشتر در مسیر زندگی فردی، ایجاد روح تعهد و مسئولیت‌پذیری در فرد، قانع نبودن به وضع موجود و طلب رسیدن به وضع مطلوب، احساس آرامش روانی.

کلیدواژه‌گان: اخلاق رفتاری، اخلاق فردی، اخلاق معرفتی، رهبر معظم انقلاب، مهدی‌باوری.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف قم گرایش مبانی نظری اسلام. mghwelcome.1400@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح سه فقه و اصول مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه علیه‌السلام و دانشجوی ارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف قم. marzieh.ghasemfam77@gmail.com

اعتقاد به آخرین حجت الهی و ولایت و امامت، از اصول مسلم مذهب شیعه اثناعشری می‌باشد. مؤمنان و متدینان از دیرباز چشم‌انتظار ظهور مبارک آن موعود و حاکمیت عدل و داد در سراسر گیتی و نابودی کافران و ظالمان بوده و هستند؛ چرا که شیعه معتقد است زمین هیچ‌گاه خالی از حجت خدا نیست.

مسئله اعتقاد به مهدویت، در علوم و حوزه‌های مختلفی قابلیت ورود دارد و دارای ابعاد مختلف اخلاقی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فقهی، تربیتی و . . . است. همچنین از جهات مختلفی قابل بررسی می‌باشد؛ مانند چپستی اعتقاد به مهدویت، مهدویت در میان ادیان، خصوصیات حضرت مهدی، جامعه مهدوی، تأثیرات مهدی‌باوری و . . .

اعتقاد به مهدویت در جایگاه والای خود در مجموعه معارف و فرهنگ اسلامی به عنوان یک باور قطعی، سازنده و محرک، می‌تواند در تحقق آرمان‌ها و آرزوهای متعالی انسان امروزی، تأثیرات شگرفی داشته و پاسخ‌گوی نیازهای انسان معاصر در تبیین سرنوشت و فرجام بشریت باشد. این اعتقاد، تأثیرات بسیار زیادی در جنبه‌های مختلف زندگی بشر، از جمله اخلاق فردی انسان‌ها ایفا می‌کند.

اخلاق فردی به رابطه انسان با خودش می‌پردازد. روابط انسان با خودش به دو دسته روابط شناختی و روابط عملی تقسیم می‌شود. روابط شناختی، دربرگیرنده معرفت انسان به خود و داورهای او درباره خود می‌شود و روابط عملی، شامل عملکردهای انسان نسبت به خودش است؛ اما اینکه اعتقاد به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه چه تأثیری در تکامل اخلاق فردی و شخصی انسان‌ها دارد، مسئله‌ای است که در این مقاله از حیث بعد اخلاقی درصد پرداختن به آن از منظر رهبر معظم انقلاب هستیم. در این مقاله، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش پردازش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در وهله اول، تأثیر مهدی‌باوری را در تکامل اخلاق معرفتی فردی در پرتو بیانات رهبر انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی بررسی می‌کنیم و در ادامه به تکامل اخلاق عملی و رفتاری فردی از منظر ایشان در این راستا می‌پردازیم.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، خودسازی، اخلاق و معنویت، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی را مورد عنایت قرار داده‌اند. اعتقاد و باور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در پیراستگی و اخلاق و معنویت تأثیر بسزایی دارد.

پیشینه پژوهشی

با بررسی‌های انجام یافته در زمینه مهدویت، تحقیقات و کارهای پژوهشی فراوانی از سوی اندیشوران و محققان انجام گرفته است؛ اما تا امروز پژوهشی تحت عنوان «تأثیر مهدی‌باوری بر اخلاق و تعالی انسان» مد ظله العالی

پژوهش‌هایی قریب به اصل عنوان حاضر تدوین یافته است که عبارتند از:

۱. کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت و تأثیر آن در سبک زندگی (سید آقاضیاء سجادی): این پایان نامه در قالب پنج فصل، با رویکرد جامعه‌شناختی به تأثیر و کارکردهای اندیشه مهدویت بر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی می‌پردازد؛ اما تحقیق حاضر، ناظر به رویکرد اخلاقی بحث موعود باوری، آن هم از دیدگاه رهبر معظم انقلاب است.

۲. آثار فردی و اجتماعی اعتقاد به حجت غایب (غلامعلی کاشفی ورتونی): این پایان نامه به بیان آثار علمی و عملی و برکات فردی و هم اجتماعی مهدویت در قرآن و روایات و چگونگی تعمیق و تقویت این اعتقاد در فرد و جامعه می‌پردازد؛ اما تحقیق حاضر، تنها به بیان آثار علمی و عملی اخلاق فردی موعود باوری و آن هم از دیدگاه رهبر معظم انقلاب می‌پردازد.

۳. تأثیر اعتقاد به مهدویت بر تکامل اجتماعی بشر (نرگس بزرگ‌خو و آسیه بنت سلمان): این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نشانه‌های تکامل اجتماعی در جهان کنونی، تبیین عوامل تکامل در جامعه منتظر و ترسیم تکامل نهایی جامعه بشری در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پرداخته است؛ اما مقاله حاضر با رویکرد اخلاقی و با هدف تبیین اثر باورداشت به مهدویت بر تکامل اخلاق فردی، هم در بُعد معرفتی و هم در بُعد رفتاری، آن هم از بیانات رهبر معظم انقلاب است.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق

اخلاق، واژه‌ای عربی و جمع خُلُق و خُلُق به معنای سرشت و سَجِیه^۱ و خوی‌ها^۲ است. راغب

۱. فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۰؛ حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۳، ص ۱۲۴؛ ابن فارس، معجم

المقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۵، ص ۱۵۲۵.

می‌گوید: خَلْق و خُلُق در اصل، یکی است؛ مثل شَرَب و شُرْب و صَرَم و صُرْم؛ ولی کلمه خَلْق، مخصوص اشکال و اجسام و صورت‌هایی است که با حواس درک می‌شود و خُلُق ویژه قوا و سجایایی است که با فطرت و دید دل درک می‌گردد. خداوند متعال در آیه ۴ سوره قلم فرموده است: وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقِي عَظِيمٌ.^۱

در مجمع‌البحرین آمده است: اخلاق جمع خُلُق به معنای خوی، خصلت، طبیعت، عادت، طبع و سجیت است که جنبه باطنی دارد؛ برخلاف واژه خَلْق به معنای ایجاد و احداث که مفهوم آن بر هیئت ظاهری انسان اطلاق می‌شود.^۲

شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از: «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شود کارها به آسانی و بدون مشقت و سختی به طور خودجوش و بدون نیاز به اندیشه و تأمل از انسان صادر شود».^۳

اگر این ملکه و حالت نفسانی به گونه‌ای باشد که کارهای زیبا و پسندیده از آن صادر شود، آن را اخلاق خوب نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر گردد، آن را اخلاق بد گویند؛ از این رو اخلاق به صورت عام به فضائل و رذایل تقسیم می‌شود.

فهمیده می‌شود.^۴

به گفته برخی دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود [اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری]. اخلاق را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد و آن اینکه گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می‌زند [مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران] دلیل این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۷.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۷.

۳. ابن مسکویه، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، ص ۱۷ و ۵۱؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۹؛ فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۹۵.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۹.

اخلاق می‌نامند.^۱

طبق تعریفی که از اخلاق شده، بدی و خوبی در تعریف اخلاق گنجانده شده است. همچنین می‌توان خوبی و بدی را به اخلاق فردی نیز تسری داد؛ اما وقتی سخن از تکامل اخلاق فردی به میان می‌آید، فضا تنها برای فضائل اخلاقی گسترده است و ردائل اخلاقی را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا چنان‌که می‌دانیم واژه تکامل، از بار مثبتی برخوردار است. وقتی می‌گوییم اخلاق کسی به لحاظ فردی تکامل یافته، یعنی آن شخص، فضائل اخلاقی را در خود ارتقا داده است؛ بنابراین تکامل اخلاق فردی، ناظر به صفات فضیلتی مربوط به خود شخص است. این تکامل در سایه تکامل معرفتی و رفتاری شکل می‌گیرد. انسانی که شناخت و معرفتش به خود، در حد محسوسات باشد، به لحاظ استكمال اخلاقی هم در حد محدودی متوقف می‌شود. جهل و نادانی به خویشتن، زمینه را برای غلتیدن و فرو رفتن در آفات و انحرافات اخلاقی هموار می‌کند، تا جایی که انسان به جای هدایت، دچار ضلالت می‌شود. پس تکامل اخلاق در گرو تکامل معرفت و شناخت انسان به خود است. خودشناسی مبنای اخلاق فردی است. با علم به نفس، اخلاق خوب و پسندیده در انسان رو به تکامل می‌گذارد. با تکامل معرفتی، در جنبه عملی نیز نفس آدمی در سایه رفتارهای پسندیده و اعمال صالح، تحولات جدیدی می‌یابد و دارای ملکات نفسانی می‌شود؛ یعنی علم به نفس، خودش را در عمل نمایان می‌سازد. اعمال انسان نیز به نوبه خود به اخلاق او شکل می‌دهد؛ یعنی تکرار یک عمل خوب یا بد، تدریجاً به یک حالت درونی تبدیل شده، باعث پیدایش یک ملکه اخلاقی می‌گردد؛ خواه فضیلت باشد یا ردیلت؛ از این رو یکی از راه‌های مؤثر برای تهذیب نفوس و تکامل اخلاق، تهذیب اعمال است؛ بنابراین تکامل اخلاق در گرو تکامل عملی نیز است.

از نظر رهبر معظم انقلاب، اخلاق یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاکدامنی.^۲ ایشان می‌فرمایند:

فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست؛ کارهای دیگر مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. اخلاق اسلامی در همه زمینه‌ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ

۱. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۲.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین: ۱۳۹۳/۹/۶.

ارزشی نخواهد داشت. یک انسان متفکر و دانشمند، اما خودخواه و بدبین عملاً وجودش فایده‌ای برای جامعه ندارد.^۱

در نظر اخلاق پژوهان انسان دارای چهار نوع رابطه است: رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با مردم و رابطه با جهان پیرامون خود. بر این اساس، علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی خواهد بود؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست محیطی.^۲

مراد از اخلاق فردی که موضوع بحث در این مقاله قرار گرفته، فضایل و رذایلی است که در محدوده روابط فرد با خود، مورد مطالعه قرار گرفته و آدمی را فارغ از رابطه با دیگران و اجتماع در نظر می‌گیرد؛ فضایی مانند صبر، توکل، محاسبه، مراقبه، عزت نفس، وقار، سکوت، خوف، انکسار نفس و... و ترک رذایلی همچون غفلت، خودبینی، شتابگری، بی‌همتی، ناامیدی از رحمت خدا و مانند آن.^۳ ممکن است در انجام آن احياناً با خدا و مردم هم ارتباط پیدا کند؛ ولی در آن بالإصالة فقط رابطه با خود انسان ملحوظ است؛ مثل ارضای غریزه جنسی که منشأ آن صفت نفسانی شهوت‌رانی است و به منظور پاسخ‌گویی به آن انجام می‌شود؛ پس اصلاً به خود شخص مربوط می‌شود؛ ولی بدیهی است که ناگزیر به شخص دیگر نیز ارتباط می‌یابد.^۴

۲. مهدی باوری

اعتقاد، بنیان اصلی زندگی انسان است. وقتی انسان به امری باورمند باشد، این باور و اعتقاد او در جای‌جای زندگی‌اش نمود می‌یابد و افکار و رفتار و گفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال اگر شخص، دارای اعتقادی منطقی و درست باشد، در عمل، گرفتار سردرگمی و بی‌هدفی نخواهد شد و از همه فرصت‌ها برای ساختن شخصیت الهی‌اش بهره خواهد برد؛ بنابراین نوع زیست انسان، ثمره باورها و اعتقادات اوست و این موضوع در جایی که با باورهای دینی روبه‌رو هستیم، پررنگ‌تر خواهد بود. این اعتقاد در حوزه مهدی‌باوری باید هویت بخش باشد و فرد و جامعه را در مسیر تکامل حقیقی و صحیح

۱. بانکی پور فرد و قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ص ۱۳۳ و ۱۳۵.

۲. الهامی نیا، سیره اخلاقی معصومین، ص ۱۵ و ۱۱۵؛ علیزاده، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص ۲۲ و ۲۳.

۳. فتحعلی خانی، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، ص ۲۰؛ رحیمیان و رهبر، آیین تزکیه، ص ۲۵؛ کلانتری، اخلاق زندگی، ص ۵۲؛ الهامی نیا، سیره اخلاقی معصومین، ص ۱۵.

۴. مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ص ۲۴۲.

قرار دهد و همه مسیرها را برای او هموار و او را به تکامل نهایی برساند.

منظور ما از مهدی باوری اعتقادی سازنده و عمیق است که بر همه جنبه‌های وجودی فرد سیطره یافته و زندگی او را در مسیر خاصی قرار داده است. فرد منتظر و معتقد، حتی اگر از دنیا برود، مانند فردی است که در خیمه امام علیه السلام بوده و یا در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در میدان جهاد به خون خود غلتیده است؛^۱ یعنی اعتقاد به موعود و منجی دادگستری که در زمانه‌ای پر از ستم، برای نجات و رهایی انسان‌ها از منجلاب ظلم و جور و تجدید حیات مادی و معنوی آن‌ها قیام کرده، آن را به دنیایی پر از عدل بدل می‌سازد. او با تأسیس یک حکومت واحد جهانی، ستمگران را از مسند قدرت به زیر کشیده، عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی، برای همیشه مستقر می‌شود و با مدیریت و اداره جهان، بشر به سمت کمال مطلوب و رشد و بالندگی مکارم اخلاقی راهبری می‌شود.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام عبارت است از اینکه در آخرالزمان از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی ظهور می‌کند که دنیا را از عدل، دادگستری و نیکی پر می‌سازد و تبعیض‌ها، ظلم‌ها، سوء استفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین می‌برد.^۲

این موجود الهی و نجات بخش را همه مذاهب اسلامی و بالأخص شیعه، فرزند یازدهم از نسل حضرت علی علیه السلام هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند که به او مهدی می‌گویند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

...تاسعهم القائم الذی یملاً الأرض الله عزوجل به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها؛^۳

... و نهمین آن‌ها قائم است که خدای تعالی به دست او زمین را پس از تاریکی پر فروغ می‌کند، و پس از جور و ستم، از عدالت پر می‌سازد.

آثار باورداشت به مهدویت در تکامل اخلاق فردی

باورداشت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام آثار و نتایج فراوانی در رشد اخلاق فردی دارد. اعتقاد به وجود مبارک آن حضرت و اینکه روزی از پس پرده غیبت ظهور خواهند کرد، در اصلاح شیعه و تکامل اخلاقی منتظران تأثیر می‌گذارد. همان گونه که در روایتی آمده است: «نحن صنائع ربنا و الخلق بعد

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۱۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۸.

صنائعنا! ما دست پرورده‌های نیکوی پروردگاران می‌باشیم و دیگر مخلوقات خداوند دست پرورده‌های ما خواهند بود». هر چقدر این اعتقاد در وجود فرد قوی‌تر باشد، حرکتش به سوی تکامل سریع‌تر خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب معتقد است امام مظهر اسلام، مظهر علو الهی در میان بشر، مظهر عزت الهی و نمونه کاملی است که خداوند متعال انسان‌ها را به سمت او که سمت تعالی و تکامل است فرا می‌خواند؛ در نتیجه معتقدان به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه باید خود را از لحاظ عقیده، عمل، اخلاق و رفتار به آن حضرت نزدیک کنند؛ یعنی معرفت عمیق‌تر و رفتار منطبق‌تر و صحیح‌تر.^۲

بنابراین می‌توان تأثیر باورداشت مهدویت در تکامل اخلاق فردی را هم از حیث معرفتی و هم از بُعد رفتاری بررسی کرد که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

الف. بُعد معرفتی

۱. ایجاد و تقویت جهان بینی دینی و تقرب الی الله

این باور که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در میان ما حضور دارد، اگر چه از دیدگان ما پنهان است، به بینش ما عمق بیشتری داده و اعتقادات ما را قوت می‌بخشد. به فرموده رهبر معظم انقلاب، کسی که به مسئله مهدویت اعتقاد دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون شعاع رحمت حق، رابطه‌ای روحی برقرار می‌کند، توفیق بیشتری برای برخورداری از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد؛ به همین دلیل است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می‌دهند و به آن حضرت توسل می‌جویند و توجه می‌کنند.^۳

بر اساس نظر رهبر معظم انقلاب، نگاه به آن بزرگوار وسیله‌ای است برای عرض ارادت و عبودیت به درگاه حضرت حق متعال: «السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته». ^۴ همه چیز، همه انبیا، همه اولیا، همه مقدّسات، همه ارواح طیّبه که نورافشانی می‌کنند بر زندگی ما، بر عالم ما، بر همه عالم وجود، آیات حقّند، جلوه‌های حضرت پروردگارانند؛ این نکته‌ای است که باید توجه داشت. به امام زمان

۱. طوسی، الغیبة، ص ۲۸۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب: ۱۳۸۳/۷/۹.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان: ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. زیارت آل یاسین.

توجه می‌کنیم، توسل می‌کنیم، در مقابل آن بزرگوار عرض خاکساری می‌کنیم، برای اینکه این خاکساری به ذات احدیت برسد و پیش خدای متعال اظهار عبودیت کرده باشیم.^۱

۲. ایجاد اعتقاد راسخ به امام و پیوند مستمر با او

این مسأله از دستورات مؤکد دین اسلام است؛ چرا که سبب طولانی شدن عمر و برخورداری از نعمات خدای متعال می‌شود. امامان مصداق کسانی هستند که ما موظف به برقراری ارتباط مستمر با آنان می‌باشیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ: ۲ و کسانی که خدا به برقراری پیوند با آنان امر کرده است».

خداوند امامان را شجره طیبه معرفی کرده است: «الْمَ تَر كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَالَ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ: ۳ آیا ندیدی که خدا چگونه مثال زده؛ سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه آن، ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است».

همچنین امام باقر علیه السلام در زمینه ارتباط با امام معصومی که مردم انتظار آمدن او را دارند فرمودند: «رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرَ: ۴»

بنابراین افراد معتقد به حضرت مهدی علیه السلام و منتظران ظهور، پیوند و ارتباط ناگسستنی با آن حضرت دارند. رهبر معظم انقلاب در خصوص لزوم ارتباط عاطفی، معنوی و روحی با آن حضرت بیان می‌کنند که فرد منتظر توسل، راز و نیاز، توجه و آشنایی با حضرت ولی عصر علیه السلام را باید یک وظیفه و فریضه برای خود بداند و با حضرت مانوس باشد^۵ و ارتباط قلبی و معنوی با حضرت را به صورت دائم با توجه،

۱. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین : ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۲. سوره رعد، آیه ۲۱.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۴.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۹، ح ۱۳.

۵. مرکز صهبا، ولایت و حکومت (بیانات رهبر معظم انقلاب درباره ولایت و حکومت، پیشین، ص ۳۱۰؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امام زمان علیه السلام: ۱۳۷۶/۹/۲۵؛ بیانات در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم: ۱۳۹۰/۴/۱۸؛ بیانات در دیدار عمومی در روز میلاد حضرت علی علیه السلام: ۱۳۷۲/۱۰/۶؛ بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت: ۱۳۸۰/۶/۵).

توسل، حرف زدن با حضرت و زیاراتی که وارد شده است، حفظ نماید.^۱ ایشان معتقدند مردم با توجه و توسل به حضرت - که کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی است - در تقرب به خداوند توفیق بیشتری می‌یابند و علاوه بر اینکه امید را به طور دائم در دل خود زنده نگه می‌دارند، راه رشد، هدایت، فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد^۲ و [این روند] موجب عروج و رشد روحی و معنوی در انسان می‌شود.^۳ ایشان پیوند عاطفی با امام را پشتوانه بسیار ارزشمند پیوند فکری و عملی می‌دانند.^۴

عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می‌دهد و وسیله پیشرفت انسان را فراهم می‌کند. این، یک میدان وسیع است. هر کس در باطن و قلب و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه زبان در این زمینه، تأثیرات چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.^۵

ب. در بُعد رفتاری

۱. خودسازی

یکی از آثار مهم اعتقاد به وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خودسازی اخلاقی و حل نشدن در مفاسد محیطی و عدم تسلیم در برابر آلودگی‌ها و کسب آمادگی نفسی و روحی برای مشارکت در زمینه‌سازی ظهور و همراهی با امام، بعد از ظهور است.

کسی که به منجی موعود باور دارد، ابتدا در خودسازی خود اهتمام می‌ورزد تا این افتخار نصیبش شود که از زمینه‌سازان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد. سپس به سازندگی جامعه و تربیت دیگران،

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده‌های معظم شهدا در سالروز میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه: ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.
۲. همان.
۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان: ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.
۴. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون: ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان: ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

به خصوص خانواده و نزدیکان می‌پردازد. بنابراین اعتقاد به آن حضرت، در سازندگی و تربیت انسان، بسیار مؤثر و نقش آفرین است.^۱

به فرموده رهبر معظم انقلاب، اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه؛ این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده کنیم. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و روشن بینی دارد. ما نباید فکر کنیم چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواهد آمد و دنیا را پر از عدل خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۲

ایمانی را جزو وظایف خود بدانند».^۳

۲. امیدواری به آینده‌ای روشن و مبارزه با یأس و ناامیدی

انتظار و اعتقاد به ظهور حجت الهی، روح امید به آینده‌های روشن را در وجود انسان زنده نگه می‌دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛^۴

منتظر فرج و ظهور باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، انتظار فرج است.

رهبر معظم انقلاب یکی از ابعاد مهدی‌باوری را اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن می‌دانند که سهم بزرگی در حرکت، تلاش و کوشش‌های فرد در راستای رسیدن به تکامل دارد، از یأس و ناامیدی برحذر می‌دارد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات داده، هدف‌دارش می‌کند و دل‌ها را سرشار از

۱. انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۲۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل بیت در نیمه شعبان: ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۴؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۶.

نور امید می‌نماید.

ایشان می‌فرمایند: «یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع در سخت‌ترین شرایط، دل را خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد. می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد. این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است».^۱

طبق فرمایش رهبر انقلاب، نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و یاد این بزرگوار، دائماً به ما یادآوری می‌کند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است... این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به ما می‌آموزد؛ این، وعده تضمین شده پروردگار است: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْعَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ»؛^۲ وعده تخلف ناپذیر الهی است. در اول زیارت هم دارد: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»؛^۳ وعده‌ای که از طرف پروردگار تضمین شده است، ظهور این بزرگوار است. معتقدان به وجود و ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند، و می‌دانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد.^۴

۳. صبر و پایداری در برابر ناملايمات برای فردایی روشن

جوهره و اثر اصلی اعتقاد به مهدویت، صبر و مقاومت است. در کلام رهبر انقلاب، صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را و محاسبات دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن، صبر یعنی پیگیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم، صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است.^۵

کسی که در انتظار چیزی است و تحقق آن را حتمی می‌داند، همین یقین موجب خواهد شد رفتار

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه: ۱۳۹۴/۳/۱۴.

۲. زیارت آل یاسین.

۳. همان.

۴. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین : ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۵. بیانات به مناسبت فرارسیدن سال نو و عید مبعث پیامبر اعظم : ۱۳۹۹/۱/۳.

او متحول شود و او را در مقابل موانع و مشکلات، به صبر و پایداری دعوت کند؛ لذا شیعه مهدی باور به سلاح صبر و شکیبایی مسلح می‌باشد، در برابر مشکلات و دشمنان، صبور و مقاوم است و به پرورش ظرفیت وجودی خود می‌پردازد، تا جزو یاران حضرت محسوب گردد؛ زیرا یاران حضرت بنا به روایتی به نقل از ابی عبدالله علیه السلام چنین توصیف شده‌اند: «رجال کان قلوبهم زیر الحدید؛^۱ مردانی که گویی دل‌هایشان پاره‌های پولاد است». می‌داند که صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او (حضرت مهدی علیه السلام) بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان مبارزه کند.^۲

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳ ای

امام باقر علیه السلام در تبیین این آیه می‌فرماید: «صبر کنید بر انجام واجبات الهی و پایداری کنید در برابر دشمنان و مراقب امامتان [که به انتظارش هستید] باشید».^۴

مهدی باوران با تمسک به این آیه، برای پیش‌برد اهداف عظیم آماده‌سازی زمینه برای ظهور، رفتار صابرانه را در پیش می‌گیرند.

۴. ایجاد حرکت مضاعف و رشد و نشاط بیشتر در مسیر زندگی فردی

به اذعان رهبر عظیم الشان انقلاب، یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند؛ احساس قوت قلب می‌کند؛ احساس قدرت می‌کند.^۵ انتظار به زندگی انسان، نشاط، تحرک و پویایی می‌بخشد؛^۶ زیرا وقتی فرد منتظر دچار وضعیت رنج‌بار می‌شود و از ظلم و تبعیض موجود در دنیا دچار رنج می‌شود؛ چون می‌داند وضعیت دردآور موجود، ابدی نیست و تمام خواهد شد، در نتیجه انگیزه و نشاط پیدا می‌کند.^۷

۱. صدوق، الخصال، ص ۵۴۱.

۲. همان، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

۳. آل عمران: ۲۰۰.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۹.

۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان: ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان: ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه شعبان: ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر علیه السلام اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد، همانند کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد».^۲ مژده این پادشاه‌ها، سبب تحقق و تحرک و پویایی جسمی و روحی منتظر می‌شود؛ زیرا فرد سعی می‌کند سستی و رخوت را از خود دور کند و با تلاش و کوشش، زمینه‌ساز ظهور آن حضرت گردد. در روایتی به نقل از حضرت مهدی علیه السلام آمده است که حضرت فرمودند:

«إِنَّا عَيْرٌ مُّهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ مَا لِيذِكْرِكُمْ وَ لَاوَلَا ذَلِكَ لَنَنْزَلِ بِكُمْ الْبَلَايَا وَ اصْطَلَمْتُمْ الْأَعْدَاءُ»^۳ هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر آن [عنایت پیوسته ما] نبود، حتما سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند».

با توجه به روایت فوق، حضرت مهدی علیه السلام منتظران را فراموش نمی‌کنند. این پیام از حضرت، امید و تحرک وافر در منتظران به وجود می‌آورد.

۵. ایجاد روح تعهد و مسئولیت‌پذیری در فرد

یکی از آثار مهم مهدویت، ایجاد روح تعهد و مسئولیت در افراد است. مهدی باوران علاوه بر اصلاح رفتار خویش، ظهور و حکومت جهانی مهدوی تنها یک برنامه فردی نیست.

به فرموده رهبر معظم، این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است. باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد می‌کند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعاً نمی‌توانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط

۱. همان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷؛ طبرسی، الإحتجاج، ص ۴۹۷.

جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم.^۱
بنابراین مهدی باوران و منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

۶. معترض به وضع موجود و خواهان رسیدن به وضع مطلوب

رهبر معظم انقلاب یکی از ابعاد باورداشت به مهدویت را قانع نشدن به وضع موجود می‌دانند؛ یعنی انسان به وضع موجود به اندازه پیشرفتی که دارد، قانع نباشد و خواستار افزایش پیشرفت و تحقق بیشتر حقایق و خصال معنوی و الهی در خود و در جامعه باشد؛^۲ به عبارت دیگر، نظم بشری غیر عادلانه الهی موجود در دنیا که باعث می‌شود انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه شوند و بسیاری نیز فرصت عبودیت خدا را پیدا نکنند، مورد اعتراض انسانی است که منتظر و معتقد به ظهور امام زمان علیه السلام است؛ بنابراین یکی از ابعاد انتظار، اعتراض و نپذیرفتن وضعیتی است که بر اثر جهالت و اغراض انسان‌ها بر زندگی بشر حاکم شده است.^۳

۷. احساس آرامش روانی

به اذعان کلام گوهریار رهبر معظم انقلاب، موعود باوری و انتظار فرج بر آرامش روان انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. رهبری با بیان اینکه میلیاردها انسان در دنیا گرفتارند، می‌فرمایند: «بعضی ممکن است آسایش داشته باشند؛ اما همان‌ها هم آرامش ندارند. بشر دچار نگرانی است، دچار اضطراب است و این پیشرفت‌ها و تحولات گوناگون نتوانسته است به بشر خوشبختی ببخشد. البته خرد انسانی نعمت بزرگی است، تجربه نعمت بزرگی است. این‌ها نعمت‌های خدا است و می‌تواند بسیاری از مشکلات حیات را حل کند؛ ولی بعضی از گره‌ها هست که با این‌ها باز نمی‌شود. این گره‌ها احتیاج دارد به یک قدرت معنوی، قدرت الهی، دست پر قدرت امام معصوم که بتواند این چیزها را انجام دهد».^۴

بنابراین امام همان پیشوا، الگو و میزان اعمال است که همراهی با او برکات فراوانی به همراه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۶/۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم: ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان: ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید سعید نیمه شعبان: ۱۳۹۹/۱/۲۱.

خواهد داشت؛ از جمله رسیدن به اطمینان و آرامش. *الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ*^۱؛ کسانی که ایمان آوردند و قلب‌هایشان به ذکر و یاد خدا آرامش یافت، همانا ذکر خدا آرامش بخش قلب‌ها است.»

امامان علیهم‌السلام مصادیق ذکر هستند: «نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَكْبَرُ»^۲؛ بنابراین با نزدیک شدن به امام، آرامش و اطمینانی برای انسان ایجاد خواهد شد که عمق وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته حقیقت آرامش با تعمق بخشیدن به معارف توحیدی و امام شناسی محقق می‌شود؛ نه صرفاً با یک باور سطحی و بدون پشتوانه معرفتی و تربیتی.^۳

طبق عقیده‌ای که شیعه دارد، امام علیه‌السلام در میان جامعه است اما شناخته نمی‌شود. تأثیر روانی این باور در روشن نگه داشتن چراغ امید در دل‌ها و ترغیب به خودسازی و آمادگی برای آن قیام بزرگ، بسیار اساسی است.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۴ و ابتلائات فردی یا اجتماعی او آگاه است، ناخودآگاه امنیت و آرامش خاصی در خود می‌یابد. مؤمن از این نظر، مانند چاهی است که از درون خود به اقیانوسی بیکران متصل است و هر چه از آن آب بردارند، چیزی از آن کاسته نمی‌شود.

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۳. سبحانی نیا، مهدویت و آرامش روان، ص ۱۰۸.

نتیجه گیری

۱. باور و اعتقاد به حضرت ولی عصر علیه السلام، بن مایه اصلی زندگی یکایک افراد جامعه مسلمان، به ویژه شیعه را تشکیل می‌دهد و این باور، ثمراتی را در اخلاق فردی و شخصی آن‌ها به بار می‌نشانند.

۲. رهبر معظم انقلاب در بیانات عدیده‌ای شاخصه و ویژگی‌هایی را برای معتقدان به مهدویت ایراد فرموده‌اند که با عنایت و دقت نظر در فرموده‌های ایشان می‌توان آثار اعتقاد به مهدویت را در راستای تکامل اخلاق فردی - اعم از معرفتی و رفتاری - استیفا کرد.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، ایجاد و تقویت جهان بینی دینی و تقرب الی الله و ایجاد اعتقاد راسخ به امام و پیوند مستمر با ایشان، تأثیرات معرفتی در راستای تکامل اخلاق فردی به همراه دارد. از جمله تأثیرات مهدی باوری در عرصه تکامل اخلاق رفتاری و عملی فردی نیز از دیدگاه معظم له عبارتند از: خودسازی، امیدواری به آینده‌ای روشن و مبارزه با یأس و ناامیدی، صبر و پایداری در برابر ناملایمات برای فردایی روشن، ایجاد حرکت مضاعف و رشد و نشاط بیشتر در مسیر زندگی فردی، ایجاد روح تعهد و مسئولیت‌پذیری در فرد، نارضایتی از وضع موجود و طلب رسیدن به وضع مطلوب، احساس آرامش روانی.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- کلیات مفاتیح نوین آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۹۵ق.
 ۲. _____، *الخصال*، جامعه مدرسین، چاپ اول، قم، ۱۳۶۳.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
 ۴. ابن فارس، أحمد، *معجم المقاییس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، مکتبه الأعلام الإسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
 ۵. ابن مسکویه، أحمد، *تهذیب الأخلاق*، طلیعه نور، چاپ اول، قم، ۱۴۲۶ق.
 ۶. الهامی نیا، علی اصغر، *سیره اخلاقی معصومین*، زمزم هدایت، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.
 ۷. انصاری، عبدالرحمن، *در انتظار خورشید ولایت*، زمینه سازان ظهور امام عصر ا، قم، ۱۳۸۰.
 ۸. بانکی پورفرد، امیر حسین، قماشچی، أحمد، *تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای*، تربیت اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵.
 ۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، محقق: علی شیری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *معجم مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: ندیم مرعشلی، المکتبه المرتضویه، بی جا، ۱۳۹۲ق.
 ۱۲. رحیمیان، محمدحسین؛ رهبر، محمدتقی، *آیین تزکیه*، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.
 ۱۳. سبحانی نیا، محمد، *مهذویت و آرامش روان*، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۶.
 ۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ق.
 ۱۵. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الإحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۱۳ق.
 ۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، محقق: أحمد حسینی اشکوری، مکتبه المرتضویه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
 ۱۷. طوسی، محمدبن الحسن، *الغیبه*، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۵ق.
 ۱۸. علیزاده، مهدی، *اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)*، معارف، قم، ۱۳۸۹.

۱۹. فتحعلی خانی، محمد، *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*، شهریار، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
۲۰. فیض کاشانی، محسن، *محجة البیضاء*، دفتر انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۳۸۳.
۲۱. فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر*، دارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. کلانتری، علی اکبر، *اخلاق زندگی*، معارف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۵. مرکز صهبا، ولایت و حکومت (بیانات رهبر معظم انقلاب درباره ولایت و حکومت)، مؤسسه جهادی مرکز صهبا، تهران، ۱۳۹۱.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، قم، ۱۳۷۶.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، انتشارات علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۴.
۲۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، مترجم: علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲۹. خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری:

<https://www.leader.ir/assets/images/contact.jpg>

راهکارهای مقابله با شبهه افکنی فضای مجازی در آموزه مهدویت

مصطفی ابراهیمی^۱

چکیده

در دوران کنونی با شبهه افکنی‌های غرض‌ورزانه از سوی اشخاص و گروه‌های مختلف خصوصاً در بستر فضای مجازی در برخورد با مباحث دین، مواجه هستیم.

در دروان گذشته عموماً مردم عادی با مباحث تخصصی و آکادمیک درگیر نبودند و جامعه، غالباً گرفتار تردید آفرینی‌ها در حوزه مسائل دین نمی‌شد. با توجه به وضع حال جامعه و گسترش روزافزون رسانه‌ها و فضای مجازی، بستر نشر و توزیع حداکثری پرسش‌ها و شبهات دینی، خصوصاً در حوزه مباحث مهدویت فراهم شده و بدون وقفه در حال ریزش به سمت مردم به ویژه نوجوانان و جوانان می‌باشد؛ از این رو مراکز و فعالان دینی به عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار در جامعه در برخورد با موج شدید و سریع فضای مجازی، با فرصت‌ها و چالش‌های اساسی مواجه هستند. آنان از یک طرف موظفند از عقاید و آموزه دینی و مسئله مهم مهدویت در برابر شبهات محافظت کنند و از سوی دیگر باید با استفاده از فناوری و فضای گسترده مجازی، از آن برای رسیدن به نشر و توزیع مباحث دینی و مقابله با شبهه افکنی‌های ضد دینی کمک بگیرند.

در این نوشتار به بیان راهکارهای مقابله با چالش‌های دینی خصوصاً در عرصه مهدویت در فضای مجازی با نگرش بر بیان راهکارهای حکومتی و تخصصی برای استفاده از آن در نهادهای تبلیغی عمومی و شخصی پرداخته شده است. پژوهشگر در این مقاله تلاش کرده است با گردآوری آرا و نظر کارشناسان مختلف، به مطالعه و بررسی راه‌های متنوع مقابله با نفوذ و شبهه افکنی دشمن به وسیله فضای مجازی در اذهان عموم جامعه بپردازد و با معرفی این راه درصدد کمک به حفظ کاربران فضای مجازی از انحراف بوده است.

واژگان کلیدی: راهکارهای مقابله، شبهه افکنی، فضای مجازی، مهدویت.

در جهان امروز، شیوع و نفوذ روزافزون و گسترده فناوری‌های نوین ارتباطاتی در ابعاد مختلف، تمام زندگی اجتماعی بشر را با تغییرات اساسی مواجه ساخته و آرامش جامعه را با چالش‌ها و دگرگونی‌هایی روبه‌رو کرده است. شیوع و گسترده‌گی شتابنده شبکه‌های مجازی و اجتماعی در بخش‌های مختلف زندگی مردم، به ویژه نفوذ و حضور فعال این شبکه‌ها در بین نوجوانان و جوانان، افکار و اعتقاد آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این نسل در این ارتباط به منفعت‌هایی می‌رسند؛ ولی از سوی دیگر ضررهای بی‌شمار و سهمگینی در انتظار آن‌ها خواهد بود؛ به همین دلیل، نه می‌شود نوجوان و جوان را از رفتن به سمت فضای مجازی منع کرد، و نه می‌شود او را در این فضای مجازی پر از تهدید و فرصت رها کرد.

در این روزگار، پرسش‌های غرض‌ورزانه و شبهات دینی با انگیزه‌های مختلف از سوی افراد و گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی، تولید و به شیوه‌های گوناگونی و سریع در شبکه‌های اجتماعی توزیع می‌شود و بدون هیچ وقفه‌ای در حال ورود به افکار جوانان و نوجوانان است.

در حال حاضر مطالب زیادی در نقد دین، دینداری و ارزش‌های دینی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که بیشتر آن‌ها ادعاهایی بی‌اساس و مطالبی غیرمستند و باطل هستند؛ مطالبی که معمولاً با یک ادبیات تحریک‌کننده و در کنار هم قراردادن راست و دروغ و استفاده از الفاظ حساسیت‌زا، در تحقیر باورها و ارزش‌های دینی و متزلزل کردن شاکله فکری و اعتقادی مؤمنان می‌کوشند. در اغلب شبهاتی که توزیع می‌شود، هم ادعاها، نادرست است و هم دلایل؛ دلایلی که با کمک الفاظ و فضاسازی روانی، کوشش می‌شود موجه و مؤثر واقع شده، مخاطب را خلع سلاح کند و پایه‌های ایمان او را به لرزه درآورد.^۱

اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون، از بستر شبکه‌های اجتماعی به منظور ارائه مطالب مورد نظر خویش بهره برده، فضای مجازی را بستری برای تقابل همه‌جانبه با مذهب حقه شیعه و به طور خاص اندیشه مهدویت قرار داده‌اند. شبکه‌های اجتماعی‌ای که در برابر فرهنگ صحیح مهدویت موضع گرفته و مطلب می‌نگارند، به دو صورت مقابله مستقیم و غیرمستقیم در برابر این تفکر به حمله می‌پردازند. منظور از مقابله غیرمستقیم، تقابل با فرهنگ مهدوی از طریق نفی اصول و پایه‌های اسلام و مذهب

شیعه دوازده امامی است که در حقیقت پشتوانه و تثبیت‌کننده این تفکر هستند. از این نمونه شبکه‌های مجازی، می‌توان به کانال‌های ضد خدا، ضد مذهب تشیع، فرق ضاله و حتی شبکه‌های ضد اخلاقی و سرگرم‌کننده اشاره کرد. مقابله مستقیم هم به تقابلی اطلاق می‌شود که هدف آن مستقیماً معارضه با تفکر مهدوی است که هم در کانال‌های مذکور و هم در شبکه‌های خاص به صورت صریح یا ضمنی دیده می‌شود^۱ از بارزترین آن‌ها می‌توان به صفحات و کانال‌های مجازی فرق انحرافی ضاله وهابیت و بهائیت اشاره کرد.

وهابیت با پشتیبانی مالی و سیاسی وسیعی که از آن می‌شود، بیشترین هجوم خود را به فرهنگ اصیل شیعه وارد می‌آورد و در تولید شبهات مرتبط با مهدویت در تیراژ وسیع و در قالب کتاب، شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و... بسیار فعال است. جالب آن است که بیشتر آن‌ها در قسمت بخش فارسی حضور قوی‌تری دارند. تشکیلات بهائیت نیز همچون سایر فرقه‌های انحرافی می‌کوشد با سوءاستفاده از ناپختگی جامعه با بهره‌گیری از فضای مجازی قابل دسترس برای همگان، حداکثر استفاده تبلیغی را برای فریب و جذب جامعه به کار گیرد؛ بنابراین شایسته و ضروری است با توجه به حملات گسترده فرق انحرافی به فرهنگ و عقیده اصیل مهدویت با ابراز فضای مجازی، برای مقابله و محفوظ ماندن افکار و اذهان جامعه خصوصاً جوانان از تردید آفرینی‌ها، درصدد بیان راهکارهای مقابله با این شبهه افکنی‌ها باشیم.

قابل ذکر است که در پیشینه پژوهشی این نوشتار می‌توان به مقاله «رسانه و مهدویت؛ نبرد سایبری» نوشته زهیر دهقانی آرنی اشاره کرد که درصد بررسی برخی از شیوه‌های مقابله دشمن با فرهنگ مهدوی در عرصه اینترنت و وب بوده و پیشنهاداتی درمورد شیوه مقابله با این حرکات دشمن ارائه کرده است؛ همچنین مقاله «روش‌شناسی تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن»^۲ نوشته جمعی از نویسندگان که به مطالعه و بررسی راه‌های متنوع نفوذ دشمن و تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی می‌پردازد و با معرفی این راه‌ها و ارائه راهکارهای مقابله با تهاجم دشمن در این زمینه، به دنبال ایمنی بخشی به مخاطبان در فضای مجازی است. البته می‌توان مقالات دیگر، از جمله «فضای مجازی، جایگاه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پیامدهای منفی اینترنت و ماهواره در

۱. دهقانی، مجله امان، فروردین و اریبهشت ۱۳۹۰، شماره ۲۹.

۲. عمروآبادی، عبداللهی، کرمی‌نیا، ره آورد نور بهار ۱۳۹۹ - شماره ۷۰ صفحه - از ۵۷ تا ۶۸.

سبک زندگی اسلامی و راهکارهای مقابله با آن»^۱ و «شایعه پراکنی، ابزار دشمن در عرصه رسانه و فضای مجازی به همراه راهکارهای مقابله با آن»^۲ و «آسیب شناسی و ارائه راهکارهای ارتقای آموزش‌های دینی در فضای مجازی»^۳ را نام برد. در خصوص امتیاز خاص مقاله پیش‌رو، باید به تمرکز آن بر بیان راهکارهای حکومتی و تخصصی عرصه مهدویت در مقابله با شبهه‌افکنی فضای مجازی اشاره کرد.

بعد از بیان ضرورت و مقدمات لازم، در اینجا به صورت مفصل و دقیق به بیان راهکارهای مقابله با شبهه‌افکنی فضای مجازی با تمرکز به دو مهم عرصه حکومتی و تخصصی آن در راستای مقابله، خواهیم پرداخت.

راهکارهای حکومتی

الف. سلب سلطه دشمن بر فناوری اطلاعات

سلطه طلبان برای دستیابی به اهداف خود از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند. یکی از کارآمدترین ابزارها برای تحقق نظم نوین جهانی منطبق بر خواست و اراده سلطه طلبان، فضای مجازی است. بهره‌برداری عمومی سلطه‌طلبان از فضای مجازی، آن است که می‌توانند از طریق آن، محتوای مورد نظر خود را به دورترین نقاط عالم برسانند و در مقابل، مانع گسترش محتواهای مخالف خود بشوند. یکی از راه‌های صحیح مواجهه با فناوری‌های نوین ارتباطی، این است که کنترل آن در اختیار کشور باشد؛ چه آنکه اگر یک فناوری، به خصوص فناوری رسانه‌ای تحت کنترل نباشد، خسارات زیادی را در جنبه‌های گوناگون بر کشور تحمیل خواهد کرد؛ لذا مهم‌ترین راهبرد مقابله با هجمه دشمنان در فضای مجازی، استقلال در فضای مجازی است. بر اساس قواعد مسلم و خدشه ناپذیر اسلامی، مانند قاعده

۱. هادی، مهدی، مجله مبلغان مبلغان، شماره ۲۴۱، تیر و مرداد ۱۳۹۸، ص ۸۴-۹۱
۲. میری، غلامحسین، شایعه پراکنی، ابزار دشمن در عرصه رسانه و فضای مجازی، نشریه مبلغان ص ۱۰۲ - ۱۱۰
۳. محسن زاده، محمدجواد، آسیب شناسی و ارائه راهکارهای ارتقای آموزش‌های دینی در فضای مجازی، مجله Pure Life تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۰ ص ۱۲۳ تا ۱۵۲.

نفی سبیل (بر اساس آیه شریف ۱۱۴ سوره نساء^۱)، لزوم و فوریت استقلال در فضای مجازی ثابت می‌شود.

گردانندگان فضای مجازی بیم آن دارند که کشورها در فضای مجازی استقلال داشته باشند؛ لذا به دست برخی عناصر نفوذی خود، به گونه‌ای امر را بر مردم و مسئولان مشتبه کرده‌اند که جمع‌گیری گمان می‌کنند استقلال در فضای مجازی، به معنای انحصار اطلاعات و دیوار کشیدن بین خود و دیگر کشورها است.

همان طور که در دنیای پیرامونی، کسب استقلال به معنای قطع رابطه با دیگر کشورها نمی‌باشد، استقلال در فضای مجازی نیز به معنای بریدن از دیگران نیست؛ بلکه به این معناست که همانند دنیای عادی، مسائل گوناگون مرتبط با تبادل اطلاعات و برقراری ارتباطات، مشخص و قانونمند شود و اجازه ندهیم هر اطلاعاتی به کشور وارد یا از آن خارج گردد؛ در عین حال از داده‌های مفید جهانی، مانند داده‌های علمی، استفاده گردد و دسترسی به آن آسان شود.

برای داشتن استقلال حقیقی در فضای مجازی، طی مراحل سه گانه کسب استقلال، حفظ (تثبیت) استقلال و بسط (گسترش) استقلال ضروری است.^۲

لایه حاکمیتی در فضای مجازی، ناظر به مدیریت کلان و هدفمند است که کشور را از وابستگی، مستمره و زبردست بودن نجات می‌دهد و در پی لایه حاکمیتی مذکور بسیاری از تهدیدات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی و... تا حدود زیادی دفع خواهد شد.

متأسفانه بنا به دلایل متعدد، تاکنون مسئولان فضای مجازی کشور، کاری جدی برای کنترل ابزارهای نوین رسانه‌ای انجام نداده‌اند و دستورات رهبر معظم انقلاب در این خصوص اجرایی نشده است. ایشان می‌فرمایند: «این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ‌تر شده؛ بعضی‌ها اصلاً در فضای مجازی تنفس می‌کنند و زندگی‌شان در فضای مجازی است. جوانان هم سروکار دارند با فضای مجازی، با انواع و اقسام چیزها و کارها، با برنامه‌های علمی‌اش، با اینترنتش، با شبکه‌های اجتماعی‌اش، با مبادلات و امثال این‌ها سروکار دارند. خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ‌کس

۱. «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

۲. کهوند، شبکه عنکبوتی، ص ۳۱۴.

نمی‌گوید آقا جادّه نکش. اگر شما در یک منطقه‌ای جادّه‌ای لازم دارید، خیلی خب، جادّه بکش، جادّه اتوبان هم بکش؛ اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه لازم را بکنید. ما به دستگاه‌های ارتباطی خودمان، به مجموعه وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی - که بنده از آن هم گله دارم - سفارشان این است. ما نمی‌گوییم این راه را ببندید؛ نه، این که بی‌عقلی است. یک کسانی نشستند، فکر کرده‌اند، یک راهی باز کرده‌اند به عنوان این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید؛ منتها استفاده درست بکنید. دیگران دارند استفاده درست می‌کنند. بعضی از کشورها طبق فرهنگ خودشان این دستگاه‌ها را قبضه کرده‌اند. ما چرا نمی‌کنیم؟ چرا حواسمان نیست؟ چرا رها می‌کنیم این فضای غیرقابل کنترل و غیر منضبط را؟^۱

برای کنترل فناوری، باید سلطه بیگانگان از آن فناوری سلب شود. این عمل، زمینه‌ای را برای تبدیل یک ابزار خطرناک، ناسالم و مضر به یک ابزار کاملاً مفید و مطابق با فرهنگ داخلی مهیا می‌سازد. رهبر انقلاب در جای دیگر می‌فرمایند:

«همین مسئله مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، این‌ها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند؛ اما سلطه دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد، نمی‌توانید شما برای این که مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو و تلویزیونتان را در اختیار دشمن بدهید. اینترنت هم همین‌جور است، فضای مجازی هم همین‌جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین‌جور است؛ این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد. امروز در اختیار دشمن است، وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است، ابزار سلطه فرهنگی دشمن است.»^۲

کنترل فناوری رسانه‌ای، موجب ایجاد مزیت رقابتی با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد؛ زیرا پس از کنترل فناوری‌های نوین ارتباطی، محتوای تولید شده بومی، اثرگذاری حداکثری خواهد داشت؛ زیرا دیگر به وسیله دشمن، مهندسی (اطلاعات و ارتباطات) نخواهد شد. همچنین امکان تولید مقرون به صرفه فناوری‌های نوین در کشور ایجاد شده، زمینه حضور سرمایه‌گذاران به وجود خواهد آمد.

۱. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان (۹۵/۰۲/۱۳).

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (۹۵/۰۳/۱۴).

امروز رقبای ما زیادند؛ چه رقبای منطقه‌ای، چه رقبای بین‌المللی. ما باید در مقابل این رقبا خود را از مزیت‌های رقابتی برخوردار کنیم. ظرفیت بالا در کم و کیف محصولات، هر دو مورد نظر است. نباید کمیت، کیفیت را تحت‌الشعاع قرار دهد، و به‌عکس.^۱

با توجه به مطالب بیان‌شده، ابزارهای جدید ارتباطی در صورت سلب سلطه دشمن می‌توانند از ابزارهای مفید فرهنگی واقع شوند. کنترل فضای مجازی و ابزارهای اطلاعاتی که جزء ابزارهای نفوذ فرهنگی و سلطه فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند، نباید آن در دست دشمن باشد. بستن فضای مجازی با همه امکاناتش از قبیل برنامه‌های علمی، مبادلات مالی، شبکه‌های اجتماعی و... راه صحیحی نیست. باید آن را بر اساس فرهنگ خود مدیریت کرد و برای آن قانون‌های کنترلی وضع نمود و پس از سلب سلطه دشمن از فناوری‌های نوین ارتباطی، باید کیفیت و کمیت تولید محصولات را مدنظر قرار داد.

ب. بومی سازی فناوری اطلاعات

امروز می‌بینیم که با وجود غفلت، کج فهمی و یا کم کاری در مدیریت فضای مجازی، مردم برای رفع نیازهای خود، و نیروهای زبده جنگ نرم برای عقب نماندن از قافله، مجبور هستند از باب ضرورت، از همین فضای موجود برای پیشبرد مقاصد خود استفاده کنند؛ اما چنین چیزی به هیچ وجه نمی‌تواند تأییدکننده فضای مجازی یله و رهای امروز باشد.

توجه به این نکته لازم است که ما با دو موضوع روبه‌رو هستیم:

۱. راه اندازی واقعی -نه نمایشی- شبکه ملی اطلاعات، عرض اندام در برابر سایر رقبا در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، در دست گرفتن واقعی فضای مجازی کشور.

۲. در نبود یک سیستم یکپارچه و پیشرفته داخلی، حضور هوشمندانه افراد تأثیرگذار -نه تأثیرپذیر- در فضای موجود.^۲

رهبر انقلاب در ۲۲ خرداد ۹۶ در دیدار سران قوا، مسئولان و کارگزاران نظام و جمعی از مدیران کشور، فضای مجازی را از جمله مسائل مهم و تأثیرگذار در اداره صحیح کشور خواندند و اظهار داشتند: «یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور -که بتوانید کشور را اداره کنید- تأثیر دارد، مسئله

۱. بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما (۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

۲. kayhan.ir/fa/news/ تبیین لایه کاربری و حاکمیتی فضای مجازی با نگاه به سخنان رهبر انقلاب.

فضای مجازی است. فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله شبکه ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده. کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته. این نمی‌شود. اینکه ما به‌عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه‌ها کوتاهی کنیم، این مسئله‌ای را حل نمی‌کند و منطق درستی هم نیست. خوب، امروز فضای مجازی مخصوص ما که نیست، همه دنیا امروز درگیرند با فضای مجازی. کشورهایی که شبکه ملی اطلاعات درست کرده‌اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده‌اند به نفع خودشان و به نفع ارزش‌های مورد نظر خودشان، یکی دو تا نیستند. بهترین کشورها، قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها خط قرمز دارند؛ راه نمی‌دهند؛ خیلی از بخش‌های فضای مجازی اعزام شده از سوی آمریکا و دستگاه‌های پشت سر و پشت صحنه این قضیه را راه نمی‌دهند؛ کنترل می‌کنند. ما هم باید کنترل کنیم. این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را از فضای مجازی محروم کنیم؛ نه، معنایش این نیست. امروز به‌منی از گزاره‌های درست و نادرست روی سر مراجعان اینترنت ما فرود می‌آید؛ اطلاعات غلط، اطلاعات نادرست، اطلاعات مضر، شبه اطلاعات - بعضی چیزها اطلاعات واقعی نیست، اطلاع‌نمایی است - خوب این‌ها دارد مثل یک به‌منی فرود می‌آید. ما چرا باید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد؟! ما چرا باید اجازه بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزش‌های ما است، برخلاف آن اصول مسلم ما است، برخلاف همان اجزا و عناصر اصلی هویت ملی ما است، به‌وسیله کسانی که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه. کاری کنید که از منافع و سودها و بهره‌های فضای مجازی همه بتوانند استفاده کنند، سرعت اینترنت را افزایش هم بدهید - این کارهایی که باید انجام بگیرد، انجام بگیرد - در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، به ضرر جوان شما و به ضرر افکار عمومی شما نیست. این چیز خیلی مهمی است. این کار باید انجام بگیرد؛ بنابراین مسئله شبکه ملی اطلاعات هم خیلی مهم است»^۱.

شبکه ملی اطلاعات به‌عنوان زیرساخت ارتباطی فضای مجازی کشور، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ملی در عرصه حکمرانی فضای مجازی است که تحقق آن بنابر رویکردهای جهانی و ضرورت‌های ملی - مانند ارائه خدمات زیرساختی پیشرفته و مطابق نیازهای کشور، بهره‌مندی از مزایای اقتصادی صنعت و زیست‌بوم ملی فضای مجازی، صیانت و رشد فرهنگ اسلامی ایرانی در فضای مجازی و

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۳۹۶/۰۳/۲۲).

حفاظت از اطلاعات کاربران در برابر تهدیدات برضد امنیت- در اسناد و قوانین بالادستی الزام شده است. راه اندازی شبکه ملی اطلاعات دارای آثار و دستاوردهای مختلفی در عرصه‌های سیاسی فرهنگی، امنیتی و اقتصادی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، آثار و دستاوردهای فرهنگی و دینی آن می‌باشد.

بسیاری از آسیب‌های فرهنگی فضای مجازی مانند ترویج شبهات، مفاسد اخلاقی، شایعات، توهین به مقدسات دینی ناشی از سلطه تمام عیار دشمن در فضای مجازی است. از آنجا که نظام سلطه مدیریت شبکه‌های اجتماعی، موتورهای جست‌وجو و بسیاری از خدمات دیگر فضای مجازی را بر عهده دارد، به راحتی می‌تواند هر محتوایی به خصوص محتوای مضر، نامناسب و مستهجن را در سطح وسیعی منتشر کند و مانع ترویج و گسترش محتوایی خاص شود؛ لذا راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، علاوه بر اینکه منجر به تولید و ترویج فرهنگ متعالی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی به‌ویژه آموزه مهدویت می‌شود، می‌تواند با ترویج سبک و زندگی غربی در فضای مجازی مقابله کند.

ج. ایجاد زمینه برای تولید محتوای مرتبط با آموزه مهدویت

اقیانوس معارف دینی که امروزه در اختیار ما است، حاصل زحمات انبیا، اولیا و عالمان بزرگی است که عمر خود را در راه اعتلای پرچم دین و دین‌داری صرف کرده‌اند. ما وامدار زحمات عالمان و دین‌داران بزرگی هستیم که سخاوتمندانه، حاصل تلاش‌های خود را در اختیار گذاشتند، تا دل‌های تشنه نسل‌های پس از خود را سیراب کنند.

اکنون که ابزارهای ارتباطات و اطلاعات، روزبه‌روز بیشتر خودنمایی می‌کند و انفجار اطلاعات به معنای حقیقی‌اش، رخ نموده، چه شده است که سرچشمه‌های زلال معارف دینی و احکام و مسائل نجات بخش اسلامی در این عرصه، همچنان غریب مانده‌اند؟ مگر نه این است که بسترهای مناسب جدید به گونه‌ای فراهم آمده‌اند که با سرعت و دقت هر چه بیشتر، می‌توانند عهده‌دار انتقال مجموعه‌ای عظیم از اطلاعات، در زمانی اندک باشند؟

روی سخن در تولید محتوای دینی برای سطح عمومی و متناسب با مخاطب عمومی است. اصولاً تعیین مخاطب، از گام‌های اول طراحی و تحلیل یک پایگاه داده در فضای مجازی است و شناخت نیازهای وی، از آن نیز مهم‌تر است. در تعیین مخاطب، تعیین سطح محتوا، نسبت به تعیین سن و جنس و تحصیلات مخاطبان کارآمدتر است.

مراد از مخاطب عمومی برای محتوای دینی، کسانی هستند که اطلاعات آنان درباره آموزه‌های دینی، محدود، کم‌عمق و سطحی است؛ دین‌دارانی کم‌اطلاع، اما علاقه‌مند به معارف دینی و دستورات آن. ممکن است آن‌ها از حیث اطلاعات و تحصیلات در سایر رشته‌های علمی، از دانش بالایی هم برخوردار باشند؛ اما در حوزه معارف دین نیازمند آگاهی صحیح، دقیق و منسجم هستند.

ویژگی‌های خاص این دسته از مخاطبان، حساسیت تهیه و ارائه اطلاعات دینی برای این گروه را مهم می‌نمایند؛ چرا که لازم است اطلاعات ارائه شده، کوتاه، گویا، مفید و مستند باشد و با قلمی روان به رشته تحریر در آمده باشد، تا خواننده را به خوبی در پی خود بکشانند.

- مهم‌ترین نکات مربوط به محتوای دینی و تخصصی در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان در مسائل ذیل خلاصه کرد:

۱. فقر محتوا: مطالب و معارف دینی که مناسب مخاطب عمومی و خاص باشند، هنوز به شکل کامل و منسجم در فضای مجازی عرضه نشده‌اند؛

۲. عدم سطح بندی مطالب: مطالب دینی باید بر اساس سطح مخاطبان طبقه بندی شود؛

۳. ذکر نکردن منابع مشخص و معتبر: امروزه فضای مجازی در این زمینه دچار نوعی بحران شده است؛ از سویی نقل مطالب دینی در برخی کانال‌ها یا گروه‌های ناشناخته و ارائه هر گونه نوشته به اسم مطلب مهدوی، بدون ذکر منبع و مأخذ و از سوی دیگر، بی‌توجهی کاربران و مراجعان، در مطالعه و استفاده از هر گونه مطلبی که در هر جای فضای مجازی پیدا کنند، به این بحران دامن زده است.

۴. اشکال‌های ساختاری، نگارشی و نمایشی: محتوای دینی باید پرنفوذ و تأثیرگذار ارائه شود. رعایت ضوابط نگارشی و ویرایشی، ارجاع به مأخذ و منابع، به کارگیری مطالب کاربردی و استفاده از روش‌های کارآمد، استفاده از جذابیت‌های بصری، زیباسازی متون، استفاده از امکانات و قابلیت‌های اطلاع رسانی، به کارگیری سیستم‌های مدیریت محتوای قوی و ساختارمند و توجه به سیستم‌های مختلف اطلاع‌رسانی در نظام فضای مجازی، می‌تواند در تأثیرگذاری و کارآمدی محتوای دینی ارائه شده، مفید باشد.

۵. محتوای تکراری: مشکل دیگری که گریبان‌گیر محتوا در فضای مجازی شده، وجود حجم زیادی از اطلاعات تکراری در میان همه پایگاه‌هایی است که مطالب و مقالات اسلامی ارائه داده‌اند.

بنابراین باید با همه توان، زمینه را برای تولید محتوای غنی در حوزه آموزه مهدویت آماده ساخت.^۱

د. ورود صدا و سیما و تأسیس یک شبکه اختصاصی

«به نظر می‌رسد ایجاد شبکه‌های تلویزیونی خصوصی مانند شبکه جهانی ولایت، پاسخ نیاز به وجود چنین شبکه‌هایی در کشور محسوب می‌شود و سیاست‌گذاران رسانه‌ای کشور به تدریج باید در حوزه‌های دیگر نیز با درخواست مجوزهای تلویزیون‌ها و رادیوهای خصوصی موافقت و به این ترتیب، خود را با نیازهای روز هماهنگ کنند. از سوی دیگر، از سالیان پیش تاکنون نهادهای دیگر نیز درخواست تأسیس تلویزیون خصوصی کرده‌اند. قوه قضائیه یکی از این نهادها بود که اعلام کرد بنا دارد یک تلویزیون مختص خود تأسیس کند.

این در حالی است که ایران، هم اکنون شبکه تلویزیونی خصوصی دارد. شبکه ماهواره خصوصی «ولایت» از قم برای دیگر کشورهای جهان برنامه پخش می‌کند. شبکه جهانی ولایت، یک شبکه مستقل تلویزیونی غیردولتی است که بنا به گفته سایت رسمی این شبکه، برای تثبیت و تحکیم بنیان‌های تفویک و تقویت علمی مبانی نظری و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات و دفاع از اندیشه‌های متعالی اسلام ناب شیعی تأسیس شده است و می‌کوشد «با ایجاد وحدت و همدلی هرچه بیشتر بین مسلمانان با محوریت اهل بیت (علیهم السلام) به دور از هرگونه تفرقه و اهانت به باورها و اعتقادات دیگر فرق اسلامی و همچنین دیگر ادیان الهی، فعالیت‌های خود را انجام دهد».^۲

بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که صدا و سیما یک شبکه اختصاصی در پاسخ‌گویی به شبهات دینی و شبهه‌افکنی فرق انحرافی خصوصا درباره آموزه اصیل مهدویت تأسیس کند.

ه. تقویت بنیادهای دینی فرزندان در مدارس و کتب درسی

جامعه دینی به تربیت دینی نیاز دارد، تا افراد، استعدادهایشان را شکوفا سازند. شیوه تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان، کار ساده‌ای نیست؛ لذا لازم است همه عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به

۱. اکبری، فضای مجازی در انتظار تولید محتوای دینی، فصلنامه ره آورد، شماره ۴۶، ص ۴۳.

۲. بی نام، خصوصی سازی تلویزیون؛ نیاز یا ضرورت؟ - مقاله در سایت روزنامه شرق

طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند.^۱

در جنبه دیگر باید این نکته را متذکر شویم که برنامه درسی معمولاً شناخت‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای ویژه را به دانش آموزان القا می‌کند. اگر در برنامه درسی مدارس آموزش‌های دینی جایی نداشته باشد و تنها به تربیت علمی و حرفه‌ای دانش آموزان توجه شود، این تصور به دانش آموزان القا می‌شود که دین و آموزه‌های دینی حتی به اندازه حرفه‌هایی مانند نجاری و بنایی ارزش ندارد.

«از سوی دیگر ممکن است مدارس به تربیت دینی بپردازند، ولی اولاً: برخی ابعاد دین را آموزش می‌دهند و ثانیاً: تربیت دینی را به چشم امری فرعی و کم‌اهمیت بنگرند. در این صورت، این تصور در دانش آموزان ایجاد می‌شود که این امری بسیار کم‌اهمیت است و تنها برای رفع تکلیف باید به آن پرداخت.»^۲

«از میان کتاب‌های درسی، کتاب‌های «دین و زندگی» اهمیت بالاتری دارند. وجود تنوع در مطالب کتاب دین و زندگی، استفاده از آثار نویسندگان و متفکران اصیل و مشورت کردن با خود دانش آموزان برای انتخاب مطالب درسی دینی، می‌تواند این اطمینان را به دانش آموزان بدهد که به هیچ وجه، هدف از کلاس دینی، تحمیل پاره‌ای از آموزه‌های از پیش تعیین شده نیست.

در این رابطه می‌توان از دانش آموزان نظرسنجی کرد. وجود چند نوع کتاب تدوین شده می‌تواند دایره انتخاب دانش آموزان را وسیع‌تر سازد؛ به طوری که به کتاب دینی به منزله یک کتاب مقدس بنگرند و آن را کتابی نپندارند که پر از مسائل قدیمی است که در دنیای امروز کاربردی ندارد. همچنین عدم آشنایی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب دینی با دین‌پژوهی‌های معاصر و تغییر و تحولات نوینی که در عرصه دین‌پژوهی صورت گرفته است، یکی دیگر از آسیب‌های جدی در برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی است.»^۳

باید به مدارس و کتب درسی دانش آموزان برای پیشبرد اهداف دینی و جلوگیری از گسترش و نفوذ

۱. <https://rasekhoon.net/article/show/1098456/> نقش مدرسه در تربیت دینی دانش

آموزان.

۲. داودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۰۴.

۳. نساجی زواره، آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان، ص ۵۱۲.

شبهات دینی و مهدوی بین آن‌ها، اهتمام ویژه‌ای داشت چرا که مدرسه به عنوان یک نظام اجتماعی در تربیت دینی دانش آموزان اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: **بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ**؛ در آموزش حدیث به فرزندانان شتاب کنید، پیش از آنکه مرگه زودتر از شما به سراغ آن‌ها بروند.^۱

راهکارهای تخصصی

الف. تقویت عقاید و باورهای دینی؛ به ویژه در آموزه مهدویت

در جهان امروز بهترین راه مبارزه با خطرات و آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی، تقویت اعتقادات، باورهای دینی و اخلاقی است. این تقویت و استحکام بخشی اعتقادی، به ویژه در مورد باورهایی همچون ولایت و مهدویت - که دشمن روی آن‌ها تمرکز بیشتری دارد و در تخطئه یا به انحراف کشیدن آن‌ها می‌کوشد - ضروری‌تر به نظر می‌آید. این راهکار، عمومی است و هر انسان متعهدی - که خود را در معرض تقابل و تهاجم می‌بیند - باید خود را به این سلاح مجهز کند. با نگاهی گذرا به برخی شبهه‌های نو در عرصه شبکه‌های مجازی، شاید احساس کنیم که لازم است در عقایدمان - که تصور می‌کردیم آن‌ها را به خوبی و به صورت استدلالی فراگرفته‌ایم - بازبینی بنماییم.

بر اساس روایاتی که گویای ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام هستند، می‌توان یکی از خصوصیات آنان را برخورداری از علم و معرفت دانست. در این دسته از روایات، علم و معرفت بالای یاران امام مهدی علیه السلام یکی از خصوصیات آنان برشمرده شده است. از مصادیق علم و معرفت آنان شناخت توحید است. در وصف آنان گفته شده است: «انان خداوند را به حق توحیدش عبادت می‌کنند».^۲ آنان از نظر علم و معرفت در رتبه‌های بالایی قرار دارند و از جام حکمت الهی و معرفت دینی به طور شایسته سیراب شده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام مراتب فضل و کمال علمی آنان را چنین توصیف می‌فرماید: «پس [در فتنه‌های آخرالزمان] گروهی پاک و مهذب و صیقلی می‌شوند؛ مانند صیقل یافتن شمشیر به دست آهنگر. دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر قرآن گوش‌هایشان را نوازش می‌دهد. هر شامگاه و

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

۲. یزدی، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۵.

بامداد جام‌های حکمت می‌نوشند»^۱.

بر این اساس، جامعه منتظر باید در همه فضاها مخصوصاً در مورد عقاید و باورهای دینی و مخصوصاً مهدویت از چنان ظرفیتی برخوردار باشند که بتوانند چنین یارانی تربیت کنند. قطعاً وجود چنین افرادی در میان منتظران موجب خواهد شد آنان با پذیرش نظم اجتماعی موجود در جامعه منتظر، امنیت اجتماعی را مستحکم سازند و به تبع آن، روحیه مردم در دفاع از ارزش‌های دینی نیز قوی و قوی‌تر شود.

شایان ذکر است برای افرادی که در مورد مسائل معرفتی و پاسخ‌گویی به آن‌ها در فضای آلوده مجازی، احساس وظیفه می‌کنند و در عین حال از کم بودن اطلاعات خود در این موارد ناراحتند، توصیه این است که موارد ذیل را به کار بندند، تا بخشی از کمبود اطلاعات و آگاهی‌هایشان جبران شود:

«۱. ارتقای بنیان‌های فکری و علمی به منظور مصون ماندن از زهر شبهات و در صورت امکان، پاسخ‌گویی به آن‌ها، یا حداقل داشتن زمینه‌ها برای فهم پاسخ‌های مناسب؛ چرا که در بسیاری از موارد، شبهات به گونه‌ای است که پاسخ‌گویی به آن‌ها یا درک پاسخ‌هایی که از سوی متخصصان ارائه می‌شود مستلزم برخی اطلاعات از بنیان‌های اندیشه اسلامی و یا مبانی عمومی معرفتی می‌باشد؛ برای مثال، ممکن است شبهه‌ای با استفاده از شگرد مغالطه - که از جمله صناعات خمس منطقی می‌باشد - القا شده باشد. همان‌گونه که می‌دانیم، مغالطه از شگرد مغالطه - که از جمله صناعات خمس منطقی می‌باشد - تنها کسانی که در این زمینه تخصص دارند می‌توانند مغالطه بودن چیزی را درک و سپس باطل کنند. بنابر این برای درک این مسأله باید پایه‌های تفکر را تقویت کرد تا اسیر مغالطه نگردد و در صورت مواجه شدن با شبهات این‌چنینی به راحتی اشکال استدلال را متوجه شد و به آن‌ها پاسخ داد. شبهه‌ای ممکن است به دلیل معیار قرار گرفتن مبانی هستی‌شناسانه یا معرفت‌شناسانه خاصی القا شده باشد که برای ابطال آن باید این مبانی مورد نقد قرار گرفته، مبانی اصیل دینی، تشریح شود.

۲. افزایش سطح علمی از طریق مطالعه کتب دینی، مقالات منتشره و شرکت در جلسات سخنرانی و همایش‌هایی که در زمینه‌های دینی است؛ به ویژه موضوعاتی که مورد دغدغه شما است؛ چرا که بر

۱. فیض الاسلام، ترجمه نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۵۹.

خلاف برخی القائات غلط مبنی بر اینکه در برابر شبهه پراکنی‌های به اصطلاح روشنفکران غرب زده یا دشمنان اسلام و انقلاب، کاری صورت نمی‌گیرد، ما معتقدیم در برابر بسیاری از هجمه‌های صورت گرفته، کارهای مفید فراوانی انجام یافته است؛ ولی ممکن است به دلیل مشکل همیشگی کم بودن اعتبارات فرهنگی و مشکلات دیگر، بازتاب کمتری از اصل شبهات داشته باشد.

با کمی پرس و جو می‌توان به ده‌ها منبع دست یافت که در مقام پاسخ‌گویی و نقد اشکالات وارده و شبهات مطرح، انتشار یافته‌اند که با شناسایی و مطالعه آن‌ها می‌توان سست بودن بسیاری از القائات به ظاهر محکم را دریافت؛ بنابر این از این منظر نباید نگران بود.

۳. ارتباط با مراکز پاسخ‌گویی کما اینکه در بالا نیز اشاره کردیم. مثال مسائل رجوع به سایت، شبکه و کانال‌های فضای مجازی منتسب به مراکز دینی و مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه را باید در اولیت قرار داد.^۱

ب. تقویت روحیه پرسش‌گری و پاسخ‌گویی

فرهنگ قرآن تقویت‌کننده روحیه پرسش‌گری و دانایی است؛ از این رو روحیه پرسش‌گری و بیش‌دانایی باید در میان جوانان مسلمان و شیعه تقویت شود. فرآیند علم‌آموزی یک عبادت مورد احترام بوده و اهداف نظام اسلامی نیز بر مبنای علم‌آموزی و بیش‌دانایی استوار است.

شبهات و سؤال‌های بدون پاسخ در ذهن افراد، موجب بروز آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌شود. فرهنگ بومی، دینی و سابقه تاریخی ما پرسش‌گری است که باید توسعه یابد؛ چراکه مکتب دینی ما همواره خواستار دانایی بیشتر بوده‌اند و این مهم یک ارزش فاخر به شمار می‌رود.

ج. ایجاد شبکه‌های مجازی جامع، پویا، به‌روز و چندزبانه پیرامون آموزه مهدویت

ایجاد شبکه‌های مجازی جامع، پویا، به‌روز و چندزبانه درباره آموزه مهدویت که بتواند این آموزه را تبیین نموده و تمام شبهات و سؤالات مطرح شده در این زمینه را پاسخ گوید. راهکار مهم دیگری است.

مسئله مهدویت و بررسی مبنایی، ضرورت‌ها و مباحث دیگر آن، از مسائلی است که در عصر حاضر

۱. اداره تبلیغ نوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، راهکار مواجهه با شبهه‌افکنی‌ها، سایت پرسمان دانشجویی - <https://www.porseman.com/article/۱۵۱۱۴۸>

مورد توجه قرار گرفته است؛ البته سایت‌های مختلف، به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند؛ ولی نبود سایت و شبکه مجازی فعال، جامع و چندزبانه در این موضوع، برای کاربران داخلی و حتی خارجی محسوس است.

با این حال برخی مراکز در قالب مؤسسه، پژوهشکده، سایت، کانال و مانند آن در زمینه مهدویت به اطلاع‌رسانی، پژوهش، تبلیغ و... می‌پردازند. این مراکز اقداماتی انجام داده‌اند که برخی از آنان شایسته تقدیرند؛ از این رو به معرفی برخی مراکز، نشانی و نام سایت آن‌ها که غالباً در شبکه‌های اجتماعی هم حضور دارند، می‌پردازیم:

۱. مؤسسه آینده روشن؛
۲. فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود؛
۳. فصلنامه عصر آدینه؛
۴. هفته نامه الکترونیک ساعت صفر: www.zerotime.org؛
۵. ماهنامه انتظار نوجوان: www.intizarmag.ir؛
۶. ماهنامه ملیکا: www.melikamag.com؛
۷. خبرگزاری آینده روشن: www.bfnews.ir؛
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی بین المللی مهدویت: www.futureisbright.net؛
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی آینده روشن: www.ayandehroshan.com؛
۱۰. مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج): www.valiasr-aj.com؛
۱۱. پژوهشکده انتظار نور: www.monjee.com؛
۱۲. الإمام مهدی: www.imammahdi.net؛
۱۳. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود: www.imammahdi-s.com؛
۱۴. مؤسسه موعود: www.almawood.net؛
۱۵. مرکز مجازی مهدویت: مرکز مجازی مهدویت، پایگاهی است چندمنظوره که بسترسازی مناسبی را برای گردهمایی و تعاملات موعودگران در راستای زمینه‌سازی ظهور منجی آخرالزمان فراهم آورده است. در این مرکز، بخش‌ها و گروه‌های گوناگونی مشغول فعالیتند؛ مانند: گروه‌های تخصصی، کتابخانه الکترونیک مهدوی، مدرسه مجازی مهدوی، دانشگاه مجازی مهدوی، باشگاه

مجازی مهدی یاران، اتاق های گفت و گو، بانک اطلاعات چند رسانه ای، بانک اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در زمینه مهدویت، مسابقات مجازی، کارگاه مجازی ایده پردازی و... که تمام آن ها در قالب برنامه های اجرایی از سوی کمیته های کمیسیون های ششگانه مرکز، نیازسنجی، طراحی، اجرا و مدیریت می شود:

www.zohoortv.com و www.mahdaviat.net

۱۶. مرکز مطالعات و مباحث ادیان: www.imamalmahdi.com

۱۷. مسجد مقدس جمکران: www.mahdisearch.com و www.mahdilink.com

۱۸. شبکه امام مهدی: www.montazar.net

۱۹. پایگاه منجی: www.monjee.org

۲۰. المنتظر عجل الله فرجه: www.almuntazar.com

۲۱. یا مهدی عجل الله فرجه: www.yamahdi.org

۲۲. شبکه اباصالح عجل الله فرجه: www.ghadeer.org

۲۳. پیشگویی: www.prophecy.org

۲۴. پرسمان: www.porsman.net

۲۵. مجله المهدی: almahdi.mybravenet.com

۲۶. المبین: www.al-mubin.org

۲۷. پایگاه حضرت مهدی عجل الله فرجه: www.hazratmahdi.com

۲۸. همایش جهانی دکتربین مهدویت: www.mahdaviat-conference.com

۲۹. مرکز شیعه: www.shiacenter.com

۳۰. صبح: www.sobh.org


۳۱. رسانه: www.e-resaneh.com

۳۲. رهپویان: www.rahpouyan.org/mahdi/links

۳۳. کنگره بین المللی مصلح موعود عجل الله فرجه: www.moslih.org

۳۴. ایده نگار: www.idehnegar.net.ir

۳۵. مؤسسه فرهنگی موعود عصر عجل الله فرجه: www.mouood.org

۳۶. پایگاه اطلاع رسانی محبان المهدی : www.ya-mahdi.info؛


۳۷. پایگاه ظهور: www.zohour.ir؛

۳۸. پایگاه به سوی ظهور: www.zohoor.net؛

۳۹. پایگاه یوسف زهرا: ww.yoosof.com ^۱»

البته اقدام دیگری که باید به صورت اساسی و با اولویت انجام شود، «تهیه و ترویج نرم افزارهای پاسخ گوی شبهات» به صورت گسترده و عمومی است که لازمه آن، پویایی و به روز شدن مراکز پاسخ گویی حوزوی و دینی، به ویژه در آموزه مهدویت می باشد.

د. تربیت مبلغان تخصصی فضای مجازی

در ابتدا با استناد به آیه شریف «پس آنان را به سوی همان آیینی که به تو وحی شده دعوت کن، و همان گونه که مأموری بر این دعوت استقامت کن...»^۲، اسلام یک دین تبلیغی، و رسالت نبی مکرم  نیز ابلاغ دستورات خداوند متعال برای مردم است. قرآن کریم حتی عدم بیان آنچه که خداوند فرمان داده است را به معنای عدم انجام رسالت تبلیغی برمی شمرد. بنابراین محیط سایبر و فضای مجازی، یک عرصه تبلیغی مهم و اطلاع رسانی برای مقابله با دشمنی گسترده فرقه های ضاله می باشد.

تبلیغ، یک فرصت است و اگر از آن به نحوه احسن بهره ببریم و داشته های خود را به مخاطبان ارائه کنیم، می تواند تأثیرگذار باشد. البته علاوه بر آن باید مولفه های روش شناسی و مخاطب شناسی را هم مدنظر قرار دهیم. در فضای مجازی و رسانه های نوین، طرح مطالب دینی به ویژه مباحث مهدوی، جدای از اثرگذاری، به سبب نشر معارف مهدوی در میان مردم، فرصتی برای پاسخ گویی به شبهات در این زمینه هم است. اگر شبهاتی که در فضای مجازی یا در دایره المعارف ها و مراکز علمی از سوی دشمنان در حال نشر و تولید است، پاسخ داده نشود، نسل امروز، مطالب ناب و شفاف از معارف مهدوی، دریافت نخواهد کرد؛ لذا در این باره باید از تمام فرصت ها استفاده کرد.

محتوای دینی و مهدوی، به دلیل اهمیت و قداستی که دارد، باید قابل اعتماد، صحیح، مستند و

۱. hawzah.net/fa/Magazine/View/4180/6789/81228 آشنایی با مراکز مهدویت.

۲. سوره شوری: ۱۵.

مستدل و از سوی متخصصان و کارشناسان دینی و مهدوی ارائه شود. اگر کار تهیه و تولید محتوای مهدوی بدون نظارت کارشناس آن انجام شود، از اعتبار و اطمینان و ارزش کمتری برخوردار است. در حال حاضر، تولیدات دینی در فضای مجازی، حد قابل قبولی ندارد و نسبت به شبکه‌های اجتماعی فرق انحرافی، به شدت ضعیف و کم‌رنگ است.

در شرایطی که محتوای ضد دینی و عقاید باطل فرق انحرافی، به سرعت در حال رشد است و از سوی دیگر، محدود ساختن دسترسی مخاطبان و کاربران، به این گونه مطالب هم به صورت کامل غیرممکن است، ضرورت استفاده از سرمایه‌های انسانی کارشناس دین و تخصصی شدن فرایند تولید محتوا در حوزه مهدویت و ارائه صحیح و به موقع اطلاعات و داده‌های دینی در قالب‌ها و روش‌های مناسب، اهمیتی دو چندان دارد.

تربیت مبلغان جهادی مجازی در برابر تهاجم دشمن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این جهاد، باید آموزش‌های مهارتی کامل در دو جنبه علمی و فنی (همچون علوم رایانه‌ای، زبان خارجی و ...) را به طور دقیق و حساب شده در نظر داشته باشد.

فراموش نکنیم که دشمنان برای مقابله با فرهنگ مهدویت، از پشتوانه مالی و فنی بسیاری زیادی بهره می‌گیرند که نمود آن را می‌توان در تعداد، تنوع و شبکه‌های مجازی آنان دید؛ ولی از آنجا که ما معتقدیم بعد علمی شیعه قادر به پاسخ‌گویی به هرگونه شبهه می‌باشد، کافی است با تربیت و تبلیغ کاربران زنده فنی به همراه پشتوانه و عقبه عظیمی که در اختیار داریم، به جنگ با دشمن برویم. این جهاد را می‌توان از طریق ایجاد کانال‌های مجازی پاسخ‌گویی چند زبانه، ورود به عرصه چت و حتی در مواردی، حمله و هک سایت‌ها و کانال‌های فرق انحرافی پی گرفت.

بهترین روش برای ورود نهادهای دینی، به‌ویژه حوزه علمیه به فضای مجازی، ترسیم نقشه‌ای دقیق و کارآمد در این مقوله است. ضرورت وجود نقشه راه و تدوین سند راهبردی حوزه علمیه در عرصه فضای مجازی، به موفقیت و دست یافتن به اهداف والای الهی در حوزه پاسخ‌گویی به شبهات و انحرافات دینی، کمک شایانی می‌کند. با توجه به اینکه تربیت عالمان دینی جزء رسالت‌های مهم حوزه علمیه است، تربیت نیروی آشنا به فضای مجازی برای تحقق دو امر کلیدی تولید محتوای متناسب و مورد نیاز فضای روز جامعه و فضای مجازی و همچنین آماده‌سازی بسترهای مورد نیاز برای تحقق هرچه بهتر آن، امری ضروری است.

تشکیل کارگروه تخصصی مهدویت در زمینه تولید و تبلیغ در فضای مجازی، از جمله اقدامات اولیه به منظور ورود حوزه علمیه و مراکز تخصصی به عرصه شبکه‌های اجتماعی است. این کارگروه که از دانش‌آموختگان و فضایی حوزه متشکل است، همچون یک اتاق فکر عمل کرده، وظیفه ایجاد شبکه تبلیغی و ترسیم نقشه راه و برنامه‌ریزی محتوایی را بر عهده خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

فراگیر بودن فضای مجازی در همه عرصه‌های جامعه، اقتضا دارد که برای حضور تبلیغی قوی در بین جوامع مختلف، باید ضمن یادگیری راه‌ها و روش‌های نوین ورود در عرصه فضای مجازی، یک مرکز رصد فعالیت‌های مجازی جریان‌ها و فرق مختلف را تشکیل دهیم و از آن در جهت‌دهی به فعالیت‌های مجازی خود استفاده کنیم. بعد از رصد اطلاعاتی و مدیریت محتوایی باید به سمت راهکارهایی برای مقابله قوی و صحیح با شبهات در باورداشت به مهدویت و از جهت دیگر فضایی برای تبلیغ و ترویج مفاهیم مهدوی فراهم کرد. محیط سایبر و فضای مجازی، عرصه هجمه نرم برای مقابله با ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات دینی و مهدوی است.

در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی به دلیل مشخص نبودن و مخفی بودن هویت افراد، گستردگی تکنولوژی ارتباطی، اختلاط جنسی، غلبه احساس و عقلانیت نوجوانان و جوانان که از فعالان اصلی این فضا هستند و... بیشتر از فضای حقیقی، اعتقادات، آموزه‌های دینی و فرهنگ مورد حمله و تخریب قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل برای مقابله با این تهاجم نرم، تهیه برنامه‌های نرم افزاری و فعالیت‌های نرم برای حضوری قوی و تأثیرگذار از جانب متولیان و تأثیرگذاران در امر دین، بسیار ضروری است. علت گرایش زیاد به فضای مجازی، جذابیت‌هایی می‌باشد که در این فضا برای جلب توجه جامعه ایجاد شده است؛ از این رو ضروری است در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها، به سلايق و جذابیت تولیدات توجه شود.

حضور قوی در فضای مجازی نیازمند شناخت دقیق و کامل تمام اضلاع و ابعاد آن است؛ لذا در مرحله اول وجود یک کارگروه رصد قوی برای اطلاع کافی و وافی از شرایط زمانی و مکانی، ما را در افزایش این شناخت و آگاهی از شبهات و کیفیت مواجهه کمک خواهد کرد؛ مواردی چون: مخاطب‌شناسی (شناخت دقیق مخاطبان خاص و مخاطبان عام) و برنامه‌ریزی متناسب برای هر یک از آن‌ها، شناخت نیاز و خواسته‌های کاربران، به کارگیری روش‌هایی که از تأثیرگذاری بالا برخوردارند، شناخت

اقتضائات زمانی، شناخت دقیق جغرافیای مکانی، زمان شناسی و...؛ لذا باید از ابزار چند رسانه‌ای (متن و محتوا، فیلم، عکس، گرافیک، کلیپ) با هدف بسط دامنه فعالیت و حضور فعال‌تر در شبکه‌های اجتماعی و افزایش جذابیت محتوای ارائه شده در فضای مجازی برای مواجهه دقیق و سریع در برخورد با شبهه‌افکنی و پاسخ متناسب به آن‌ها، بهره برد.

بنابراین شایسته است مبلغان دینی و نهادهای مرتبط، با استراتژی سه گانه «رصد، تحلیل و تولید محتوای متناسب» به این عرصه مهم مقابله با هجمه‌ها و دفاع از عقاید شیعه به صورت گسترده ورود کنند.

منابع مکتوب

قرآن کریم.

۱. اکبری، احمد، فضای مجازی در انتظار تولید محتوای دینی، فصلنامه ره آورد، شماره ۴۶، ۱۳۹۸
۲. حایری یزدی، علی، *الزام الناصب*، بیروت، ۱۴۲۲ق، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
۳. داودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ نهم، قم، ۱۳۹۹.
۴. دهقانی آرانی، زهیر، رسانه و مهدویت؛ نبرد سایبری، مجله امان، ش ۲۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰.
۵. عمروآبادی، مهدی؛ عبداللهی، محمداسماعیل؛ کرمی نیا محمد، روش شناسی تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن، مجله ره آورد نور، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۹.
۶. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
۸. کهوند، محمد، کتاب شبکه عنکبوتی، چاپ اول، ذکری، ۱۳۹۵.
۹. کرجی باباخانی، علی، آشنایی با مراکز مهدویت، مجله فرهنگ کوثر، ش ۷۴، تابستان ۱۳۸۷.
۱۰. میری، غلامحسین، بزار دشمن در عرصه رسانه و فضای مجازی مبلغان، ش ۲۵۱، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۹.
۱۱. محسن زاده محمد جواد، آسیب شناسی و ارائه راهکارهای ارتقای آموزش‌های دینی در فضای مجازی، مجله Pure Life، جامعه المصطفی العالمیه، ش ۱۰، تابستان ۱۳۹۶.
۱۲. هادی مهدی، فضای مجازی، جایگاه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پیامدهای منفی اینترنت و ماهواره در سبک زندگی اسلامی و راهکارهای مقابله با آن، مجله مبلغان، شماره ۲۴۱، تیر و مرداد ۱۳۹۸.

منابع دیجیتال:

۱. اداره تبلیغ نوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، راهکار مواجهه با شبهه افکنی ها، سایت پرسمان دانشجویی -

۱۵۱۱۴۸ <https://www.porseman.com/article/۱۳۹۳> -

۲. صفری، رضا، تبیین لایه کاربری و حاکمیتی فضای مجازی با نگاه به سخنان رهبر انقلاب -
<http://kayhan.ir/fa/news/۱۳۹۸> - سایت روزنامه کیهان ۱۷۶۲۰۰
۳. روزنامه شرق، خصوصی سازی تلویزیون؛ نیاز یا ضرورت؟،
<https://www.magiran.com/article/3375644۱۳۹۵> -
۴. دهقان، زهرا؛ قاسمی سیانی، محمد، نقش مدرسه در تربیت دینی دانش آموزان -
<https://rasekhoon.net/article/show/1098456/۱۳۹۴> ،
۵. اسماعیل، نساجی زواره، آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان:
<https://rasekhoon.net/article/show/872513/>
۶. روزنامه کیهان، خرافه زدایی، بهانه‌ای برای دین ستیزی -
<http://kayhan.ir/fa/news/81316> سال ۱۳۹۵ ،

بررسی روایات مذمت فقهای آخرازمان

سید علی کاظمی^۱

چکیده

همواره مدعیان دروغین، آنچه را که در دین، ارزش بیشتری داشته و مانع فعالیت‌های آن‌ها بوده است، بیش از مسائل دیگر مورد حمله قرار داده‌اند. یکی از مسائل مهم که از اولویت‌های مبارزاتی مدعیان بوده و همیشه به دنبال تخریب آن هستند، جایگاه عالمان دینی است؛ چرا که منحرفان، عالمان راستین را سد بزرگی بر سر راه خود دیده، تنها راه پیروزی خود را گذر از این مانع پیش روی خود می‌دانند. اینان برای تخریب جایگاه عالمان، بهترین راه را استفاده از ابزار دین دانسته، از این رو با استناد به تعدادی از روایات، به دنبال تخریب یا تضعیف این جایگاه‌ها هستند.

این نوشتار پس از روشن کردن اهمیت رجوع به عالمان در روایات، با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی و نقد ادله مدعیان دروغین در مذمت فقهای آخرازمان پرداخته و در نهایت با بیان ملاک‌های تشخیص عالم الهی از غیرالهی، حدود این موضوع را روشن کرده است. با بررسی و تشکیل خانواده حدیثی در این زمینه، روشن می‌شود که روایات در این زمینه از لحاظ دلالت، به سه دسته صریح، غیرصریح و بی‌ارتباط با موضوع تقسیم می‌شوند. با بررسی موردی روایات به دست می‌آید که اولاً: بسیاری از این روایات از لحاظ سندی ضعیفند؛ ثانیاً: غالباً در کتب متقدم یافت نمی‌شوند؛ ثالثاً: از لحاظ محتوا بر آنچه این افراد ادعا می‌کنند، دلالتی ندارند؛ و رابعاً: این افراد در مواردی، به تقطیع روایات پرداخته و در مواردی نیز به سبب فهم نادرست از روایت، به خطا رفته‌اند.

واژگان کلیدی: آخرازمان، فقها، مدعیان دروغین، شبهات مهدویت.

در طول تاریخ، همواره عده‌ای به دنبال سوءاستفاده از مردم بوده‌اند. این سوءاستفاده‌ها در قالب‌های مختلف و به روش‌های گوناگون شکل گرفته است. با توجه به فطرت خداجوی بشر که او را به سمت معنویات و ایمان به غیب می‌کشاند، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین سوءاستفاده‌ها، سوءاستفاده دینی و اعتقادی است.

فهم دین و شناخت آسیب‌های ناشی از تحریف در معارف دینی به تخصص نیاز دارد و در واقع پس از شناخت ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، محکم و متشابه مبانی دینی، امکان‌پذیر است. اینکه در این زمان، برخی به دنبال جدا کردن مردم از عالمان دین و متخصصان فهم معارف اسلام هستند، دقیقاً بدین معناست که آن‌ها با شناخت میزان اثرگذاری این جایگاه در ثبات اعتقادی آحاد جامعه بر باورها و اعتقادات خود، به دنبال گمراه کردن و بالطبع سوءاستفاده از مؤمنان می‌باشند.

این بحث را از سه نظرگاه عقل، عرف و دین، می‌توان پیگیری کرد. عقل، فارق از هر حکم دیگری، در جایگاه یک راهنما برای بشر، حکم روشن و شفاف بر رجوع غیر متخصص به متخصص دارد. عرف عقلاً نیز همیشه به عنوان یک روش و سنت بدون تغییر و تبدیل، در کارهای خود به متخصص رجوع کرده و می‌کنند و حتی میان دو متخصص به متخصص‌تر رجوع می‌نمایند. در دستورات دینی برگرفته از آیات و روایات نیز به صورت بسیار شفاف، رجوع به آگاهان، دستور داده شده است. در اینجا به دلیل جهت‌گیری دینی منحرفان و استفاده از ادله دینی، بحث فقط از نظرگاه دینی، پیگیری خواهد شد.

با توجه به گستردگی و پیچیدگی علوم دینی، پرسش اینجاست که آیا همه مردم به این علوم، تسلط کامل دارند؟ آیا صرف آشنایی اولیه می‌تواند در فهم روح دین و قوانین حاکم بر آموزه‌ها راه‌گشا باشد؟ بنابر حکم عقل و دین، برای جلوگیری از انحراف در دین و فهم صحیح از آن، باید از عالمان دینی که میراث‌دار ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند، بهره برد. در بیان اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه مردم به «روایات احادیث» و دستور «تقلید عوام از فقها»، اصلی انکارناپذیر است. از طرف دیگر، مدعیان دروغین و جریان‌های مدعی در استفاده از مطالب سست و جهل برخی افراد جامعه اسلامی می‌کوشند تا ادعای خود را اثبات کرده، عقایدشان را گسترش دهند. در این میان، جهل و عدم تسلط بر مبانی دینی و ساده‌انگاری باعث می‌شود ترفندهای جریان‌های انحرافی، بر تعدادی از مردم مؤثر افتد؛ از این رو همان‌گونه که کلینی رحمته‌الله در مقدمه کافی می‌نویسد: «دین مبین اسلام، مؤمنان را مرخص ندانسته و برای همین امر

به سؤال و تفقه در دین موظف کرده است»^۱ امام مهدی عجله الله تعالی فرجه نیز از جماعتی که دین آن‌ها برگرفته از احساسات صرف و بدون تعمق است، شکوه داشته و جهل برخی منتظران را عامل اذیت خود دانسته‌اند.^۲

راهکار رهایی از جهل، توجه به عقلانیت و برگرفتن معارف دینی از قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. در صورت نداشتن تخصص در این زمینه راهی جز رجوع به عالمان متقی نیست. امام کاظم علیه السلام در این زمینه فرمودند:

فقها و عالمان دینی پناهگاه شیعیان در دوران غیبت بوده و هزاران بار مقامشان از مجاهدان در راه خدا بالاتر است؛ چرا که آن‌ها از دین مردم دفاع می‌کنند.^۳

در برابر جایگاه رفیع و عملکرد موفق و مؤثر این حافظان دین، مدعیان دروغین از یک سو و استعمار از سوی دیگر می‌کوشند نهاد مرجعیت و فقاہت را خدشه‌دار کرده، تقابل گروه فقها با امام زمان عجله الله تعالی فرجه کشته شدن فقها در دوران ظهور، سنتی و کهنه‌گرا بودن این دسته را به این مرزداران دین نسبت داده، ادعای خود را بدون رقیب گسترش دهند؛^۴ برای نمونه، زمانی که علی محمد شیرازی نتوانست علما را مجاب کند، اتهام زنی به ایشان را آغاز کرد و در مورد علمای قم و شهر قم چنین گفت:

من شخصا دوست نمی‌دارم که به این شهر وارد شوم. بهتر آن است که از کنار شهر عبور کنیم و وارد شهر نشویم؛ زیرا اینجا شهر خبیثی است. نفوسی که در آن ساکنند، شریب و فاسقند. این [حضرت معصومه علیها السلام] بزرگواری که در این شهر مدفون است و برادر ارجمندش و اجداد گرامش، همگی از این مردم فاسق فاجر بیزارند.^۵

در بررسی موضوع مذمت فقهای آخرالزمان تحقیقاتی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶.

۲. ایشان در توقیع خود که بر رد غلات نوشته و خطاب به مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي بْنِ هِلَالِ الْكَرْخِيِّ ارسال فرمودند، ذکر می‌کنند: «يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ؛ افرادی احمق و جاهل از شیعیان و گروهی که مذهبشان به اندازه بال مگسی ارزش ندارد، خاطر من را آزرده‌اند» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴).

۳. همان، ص ۱۷.

۴. شهبازیان، بررسی و تحلیل استنادات روایی جریان‌های انحرافی بر مذمت فقها، ص ۹۱.

۵. خاوری، تلخیص تاریخ نبیل، ص ۲۰۶.

زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه آقای مهدی صفری با عنوان «نقد و بررسی ادله جریان‌های انحرافی در رویارویی با مرجعیت» که نویسنده در بخش دوم از فصل دوم به بررسی و تحلیل شش مورد از روایات در این موضوع پرداخته است.
 - مقاله «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریان‌های انحرافی بر مذمت فقها» که در شماره ۵۶ مجله انتظار موعود به چاپ رسیده است. در این مقاله به برخی روایات در مذمت فقها اشاره و تحلیل شده است.
 - مورد دیگر پایان‌نامه آقای صالح مصطفی با عنوان «بررسی آراء مدعی‌ایمانی پیرامون مرجعیت در شیعه» می‌باشد که وی در گفتار سوم به تحلیل هشت روایت در این زمینه پرداخته است.
 - از دیگر کارها در این زمینه می‌توان به درس خارج آیت الله طوسی با عنوان «نقش علما در عصر ظهور» اشاره کرد که در نسخه الکترونیکی منتشر شده است. ایشان به نوزده روایت که در راستای نقش آفرینی منفی علما در عصر ظهور است اشاره کرده، بعد از بررسی سندی و دلالتی به این نتیجه می‌رسد که هیچ روایت صحیحی نداریم که بر نقش آفرینی منفی علمای شیعه در عصر ظهور، دلالت صریح داشته باشد.
- در این نوشتار با دسته‌بندی محتوایی روایات در سه محور صریح، غیر صریح و بی‌ارتباط با موضوع و با توجه به تحلیل‌های ارائه شده پیرامون روایات ذم فقها در آثاری که ذکر شد، تلاش در بررسی و تحلیل روایاتی شده است که یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و یا به تحلیل جامع‌تری نیاز داشته‌اند. اطلاعات مورد نیاز برای نگارش نوشتار حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با تجزیه و تحلیل آن‌ها نتیجه حاصل شده است؛ بنابراین شیوه تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است.

مفهوم شناسی

ذم: نقیض مدح^۱ و به معنای شماتت و نکوهش است.^۲

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۲. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۱۷۹.

فقیه: در لغت فقه علم در دین است؛^۱ لکن علم و فهمی که متکی بر تأمل و دقت باشد؛^۲ پس فقیه، آن عالمی است که با فهمی متکی بر تأمل و دقت، علم به حلال و حرام دین خدا پیدا می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت صحیحی در بیانی روشن به بیان فقیه پرداخته است که فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ يَرَحَّصْ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ وَ لَمْ يَتْرِكِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ...؛

از فقیه بحق، به شما خبر ندهم؟ او کسی است که مردم را از رحمت خدا نومید نسازد و از عذابش آسوده‌خاطر نکند و به مردم رخصت گناه ندهد و قرآن را به خاطر میل به چیز دیگر از دست ندهد.^۳

آخرالزمان: «آخرالزمان» ترکیبی اضافی و به معنای بخش پایانی حیات دنیا است. آخرالزمان، جزء تعالیم ادیان بزرگ دنیا است و در ادیان ابراهیمی نیز از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اصطلاح آخرالزمان در قرآن کریم نیامده است؛ ولی آیاتی درباره آینده بشر در قرآن دیده می‌شود که بر حکومت توحید و عدل در آینده زندگی انسان و خلافت و وراثت صالحان بر زمین و پیروزی حق بر باطل دلالت می‌کند. آخرالزمان در روایات اسلامی در دو معنا به کار رفته است: الف. مدت زمان بین آغاز نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا وقوع قیامت؛^۴ ب. در بسیاری از روایات اسلامی، اصطلاح آخرالزمان به معنای زمانی دانسته شده که در آن منجی (مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه) ظهور می‌کند.

جایگاه علما در روایات

از بزرگ‌ترین خطرهای رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام این است که کسی یک روایت را گرفته و بخواهد تمام سخن دین در یک موضوع را از آن تک روایت بدون در نظر گرفتن مجموعه روایات در آن باب به دست آورد؛ از این رو برای رسیدن به کامل‌ترین نتیجه، ضروری است که در هر موضوع با تشکیل خانواده حدیثی، همه احادیث آن جمع‌آوری و سپس به بررسی محتوایی آن‌ها پرداخته شود. در همین راستا در این بحث نیز بسیار ضرورت دارد که همه احادیث پیرامون عالمان دین جمع‌آوری

۱. همان، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. مصطفوی، التحقيق، ج ۹، ص ۱۳۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۶۳.

شوند تا روشن گردد که اگر در روایتی مذمتی نسبت به ایشان وجود دارد، به چه مناسبت است و به چه گروهی از ایشان اشاره دارد. در ادامه به تعداد اندکی از روایات معتبر که جایگاه ایشان را روشن می‌سازند، اشاره می‌شود:

۱. حدیث صحیح کلینی رحمته الله از ابوالبختری از امام صادق علیه السلام که فرمودند: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ علما وارثان پیامبران الهی هستند».^۱

۲. کلینی رحمته الله روایت صحیح دیگری را به طرق متعدد از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا إِلَيْسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهِ؛ مرگ هیچ یک از مؤمنان نزد شیطان محبوب‌تر از مرگ عالم نیست».^۲

۳. شیخ صدوق رحمته الله، با سندهای متعدد، از امیرمؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که سه بار فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي؛ خدایا، جانشینان مرا مورد رحمت خود قرار ده». پرسیدند: «یا رسول الله، جانشینان شما چه کسانی هستند؟» در پاسخ فرمودند: «الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدِي وَيُرْوُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي؛ کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث مرا روایت می‌کنند و سنت مرا به مردم می‌رسانند».^۳

۴. شیخ صدوق رحمته الله توفیق شریفی را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه نقل می‌کند که حضرت چنین نگاشته‌اند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما حوادث جدیدی که اتفاق می‌افتد، درباره آن‌ها به روایان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آن‌ها هستیم».^۴

۵. کلینی رحمته الله روایت موثق دیگری از امام هفتم علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: «الْفُقَهَاءُ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُوْرِ الْمَدِينَةِ لَهَا؛ فُقِهَانِ دُرَاهِمِ مُسْتَحْكَمِ إِسْلَامٍ هَسْتَنْدُ؛ همچون دژهای شهر که حفاظت از آن را بر عهده دارند».^۵

از این روایات که تنها بخشی از روایات معتبره در این باب می‌باشد به خوبی تکلیف مؤمنان در لزوم

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.

۴. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۸.

رجوع به عالمان دینی روشن می‌شود. البته باید گفت: حتی اگر روایتی هم در این زمینه وجود نداشته باشد، باز هم از حکم صریح عقل و حکم سیره عقلا به وجوب رجوع به عالمان دینی، ارزش و جایگاه ایشان روشن می‌شود. شیخ مفید^۱ پس از بیان مشکلات دسترسی به حضرت مهدی^{عج} در دوران غیبت و نیاز مردم در پیدا کردن احکام فقهی، به این نکته اشاره کرده، می‌نویسد:

و جميع المؤمنین فأما الممتحن بحادث یحتاج إلى علم الحکم فیه فقد وجب علیه أن یرجع فی ذلك إلى العلماء من شیعة الإمام و لیعلم ذلك من جهتهم؛

اما هر کسی از مؤمنان، اگر در امری و مسئله‌ای به حکم خدا نیاز پیدا کرد، پس لازم است که به علما و فقهای شیعه مراجعه کرده و حکم را از طریق آن‌ها یاد بگیرد.^۱

وی همچنین، حل مسائل دینی و قضایی را نیازمند مشورت با فقها دانسته است.^۲

روایات ذم فقه‌های آخرالزمان

در برخی کتاب‌های روایی شیعه، روایاتی در مذمت فقه‌های آخرالزمان وارد شده است؛ اما بعد از بررسی آن‌ها مشخص می‌شود که این روایات کمتر در کتب روایی معتبر یافت می‌شوند و این در حالی است که در همین کتب معتبر، ابوابی متناسب برای ذکر این روایات وجود داشته است؛ لذا عدم ذکر این دسته از روایات که در کتب متأخر بیشتر دیده می‌شود، خود دلیل بر ضعف آن‌ها نزد کاتبان کتب معتبر همچون کلینی^{عج}، صدوق^{عج} و شیخ طوسی^{عج} بوده است. یا این که این احادیث بعداً از سوی جاعلانی جعل شده‌اند.

برای اینکه این نوع روایات، دست‌مایه سوءاستفاده برخی مدعیان دروغین نشود، لازم است اولاً: از حیث سند و اعتبار و ثانیاً از جهت دلالت، مورد مذاقه قرار گیرند. در ادامه با تقسیم این روایات از جهت ارتباط آن‌ها با موضوع مذمت فقها به تحلیل و بررسی آن‌ها از جهت سندی و دلالتی اشاره می‌شود:

دسته اول. نص و صریح

مراد از نص و صریح در اینجا آن دسته از روایاتی هستند که دلالت آن‌ها بر موضوع، روشن و بدون مشکل باشد؛ به این معنا که در لفظ صراحتاً این معنی یافت شود.

۱. مفید، أربع رسالات فی الغیبة، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۵.

روایت اول. کلینی رحمته الله با سند خود از امام صادق رحمته الله به نقل از امیرالمؤمنین رحمته الله از رسول خدا رحمته الله نقل کرده است که فرمودند:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ ... فُقُهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقُهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ حَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ؛

بر مردم زمانی آید که از قرآن جز نامی نماند... فقیهان این دوران بدترین فقه‌های زیر آسمانند، فتنه از آن‌ها برآید و بدان‌ها بازگردد.^۱

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب *مرآة العقول*^۲ این روایت را بنا بر مشهور، ضعیف شمرده است و برخی دیگر از علما نیز روایات سکونی را تضعیف کرده‌اند.^۳ اما عده‌ای از علما^۴ سکونی را توثیق کرده‌اند. اگر روایت را از لحاظ سندی بلا اشکال بدانیم، از لحاظ دلالت به چند نکته مهم باید دقت شود:

الف. عبارت «سیأتی» همان‌گونه که در مفهوم شناسی آخرالزمان گذشت، می‌توان مراد رسول خدا رحمته الله از سیأتی را از زمان بعد از خود ایشان تا زمان حال دانست. نکته دیگر اینکه «سین» حرف استقبالی است که زمان مضارع مثبت را به آینده نزدیک اختصاص می‌دهد. بنابراین در مصداق شناسی روایت باید این زمان را نزدیک به عصر رسول خدا رحمته الله در نظر گرفت؛ اما اگر گفته شود که به قرینه «زمان»، این روایت برای یک زمان خاصی می‌باشد، باید گفت: با این بیان، روایت برای زمانی است که در آن زمان همه این موارد ذکر شده، مصداق روشنی داشته باشند.

ب. درباره عبارت «فقهاء ذلك الزمان» باید گفت: اولاً. چون عبارت عام است، همه فقه‌های اسلامی را شامل می‌شود و منحصر در گروه خاصی نیست؛ ثانیاً. کسی نمی‌تواند وجود چنین عالمانی را در گذشته و آینده انکار کند؛ اما سؤال این است که آیا ملاکی برای شر بودن این فقها وجود دارد یا فقط چون در این زمان قرار گرفته‌اند شر شمرده شده‌اند؟ و اصولاً دین چه معیارهایی را برای تشخیص عالم خوب از بد معرفی کرده است؟ (در پایان به برخی از این ملاک‌ها اشاره خواهد شد).

ج. از لحاظ مصداق شناسی، با توجه به آنچه در این زمان از وضعیت بلاد اسلامی مشاهده می‌شود

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۰۸.

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۴۰۲.

۳. مکارم، کتاب نکاح، ج ۴، ص ۲۵.

۴. شبیری، کتاب نکاح، ج ۲۳، ص ۲۳۹.

که از قرآن فقط رسمی مانده و حتی اجازه چاپ قرآن با ترجمه داده نمی‌شود، به تفسیر قرآن پرداخته نمی‌شود و از طرفی مساجد از لحاظ بنا به اوج و از لحاظ هدایت به پایین‌ترین حد خود رسیده است، اجازه بحث و گفت‌وگو در مورد دین داده نمی‌شود و فقها در اختیار حکومت و برای توجیه آن هستند، مصداق، برخی از کشورهای عربی پیرامون خلیج فارس می‌باشند.

روایت دوم

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَحَمْسَةٌ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ أَصَابَتْنَا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ وَ لَمْ يَكُنْ دُفْنَا مُنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ... يَا إِبْنَ مَسْعُودٍ عَلِمْنَاؤُهُمْ وَ فُقَهَائُهُمْ حَوْتَهُ فَجَرَّةٌ إِلَّا إِيَّاهُمْ أَشْرَارُ خَلَقِ اللَّهِ وَ كَذَلِكَ أَتْبَاعُهُمْ وَ مَنْ يَأْتِيهِمْ وَ يَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ يَحِبُّهُمْ وَ يَجَالِسُهُمْ وَ يَسَاوِرُهُمْ أَشْرَارُ خَلَقِ اللَّهِ يَدْخُلُهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ صَمٌّ بِكُمْ عُمَى فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ^۱؛

ای پسر مسعود، علما و فقهای آن‌ها خائن و فاجرند. آن‌ها بدترین خلق خداوند، و همچنین پیروان ایشان و کسانی که نزد ایشان می‌روند، و از ایشان [فتوا] می‌گیرند و به آن‌ها محبت می‌ورزند و با آن‌ها مجالست و مشورت می‌نمایند و آن‌ها که اشرار خلق هستند، ایشان را به دوزخ می‌کشانند. کر و کور و لالند و باز نخواهند گشت.^۲

در مورد این روایت نکاتی شایان ذکر است؛ از جمله:

اولاً. از لحاظ سندی، این روایت بدون ذکر سند در کتاب مکارم/الاخلاق آمده که در قرن ششم نگارش شده است و در هیچ یک از کتب روایی یافت نشد که خود شاهی بر عدم اعتماد محدثان به آن می‌باشد.

ثانیاً. از لحاظ دلالت اینکه اتباع، مجالسان، مشاوره گیرندگان، دوست داران و اخذ کنندگان از آن‌ها هم اشرار خلق خدا باشند، خود شاهد مهمی بر این است که این عالمان از صراط مستقیم جدا شده، دنیا را طالبند و مردم را به خود دعوت می‌کنند. اینکه پیروان آن‌ها در دخول در آتش برابر هستند، نشان از جانبداری‌شان از آن‌ها، از روی علاقه و نه از روی اصول دینی می‌باشد. مؤید این نکته، آیه شریف مورد استشهاد در روایت است.

۱. بقره: ۱۸.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۵۰.

روایت سوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ... مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ وَ قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى
عُلَمَاؤُهُمْ شَرٌّ خَلَقَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛

رسول الله ﷺ فرمودند: زمانی خواهد آمد که... مساجدشان بناهای آباد دارد؛ ولی دل‌های آنان
خالی از هدایت است. علمای آن‌ها شرتترین مخلوقات خدا بر روی زمین هستند.^۱

محمد بن محمد شعیری که یکی از علمای شیعه در قرن ششم می‌باشد، اولین کسی است که این
روایت را ذکر نموده، ولی برای آن، سندی بیان نکرده است. بعد از وی فقط علامه مجلسی^۲ و میرزای
نوری^۳ این روایت را از او نقل کرده‌اند؛ از این رو این روایت در این مقام، در نهایت ضعف است.
تحلیل دلالی: توضیح عبارت «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ» در روایت اول گذشت؛ اما حول عبارت
«مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ» باید گفت: در این زمان با یک دقت و جست‌وجوی کوتاه روشن می‌شود
که در کدام کشورها مساجد از لحاظ ساختمانی، ساخته و پرداخته و از هدایت خالی هستند. چند نکته
پیرامون عبارت «عُلَمَاؤُهُمْ شَرٌّ خَلَقَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ»:

اولاً. به عالمان شیعه، منحصر نیست و عالمان همه فرق اسلامی را در برمی‌گیرد؛
ثانیاً. شر بودن آن‌ها وقتی صادق است که شر بر آن‌ها صدق کند؛ پس اگر انسان‌های پاکیزه و متقی
باشند، قطعاً مصداقی برای روایت نخواهند بود؛
ثالثاً. بر فرض قبول همه آنچه در این روایت از ضعف سند، تک بودن و عدم اعتنای بزرگان به آن
وجود دارد، باید گفت این معنا در مورد فقیهی صادق است که ملاک‌هایی را که برای فقیه ذکر می‌شود
نداشته باشد.

دسته دوم. ضمنی و غیر صریح

الفاظ در این دسته از روایات، صراحتی در مذمت فقها ندارند؛ لکن از لحاظ دلالت به صورت کنایه بر
این معنا اشاره دارند؛ از آن جمله می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

۱. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۲۹.
۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳.
۳. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۶.

روایت اول: حدیث شماره هفت از کتاب روضه کافی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ ذَكَرَ هَؤُلَاءِ عِنْدَهُ ... وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِعَبْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا... وَ رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يُأْمُرُ؛

امام صادق عليه السلام [درباره آخرالزمان] فرمود: ... و دیدی که فقیه برای غیر از دین تفقه کند و طالب دنیا و ریاست باشد... و دیدی بر منبرها به تقوا امر کنند و گویند به آنچه امر می‌کند، عمل نکند.^۱

مرحوم کلینی این روایت را با دو سند ذکر کرده است. سند اول که «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ از محمد بن ابی حمزه» است، به سبب معلوم نبودن بعض اصحاب برای احمد بن محمد، ضعیف شمرده شده است. اما سند دوم آن که «عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ از محمد بن ابی حمزه» است، صحیح می‌باشد؛ از این رو این روایت از لحاظ سندی بلااشکال است. اما لازم است که روایت از لحاظ دلالت نیز بررسی گردد، تا روشن شود که آیا این روایت می‌تواند مذمتی بر فقهای آخرالزمان باشد؟

عبارت «رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِعَبْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا» نمی‌تواند مذمتی برای فقها باشد؛ بلکه زمانی می‌تواند این معنا را برساند که الف و لام «الفقیه» برای استغراق باشد که در این صورت با دستور تفقه در دین در هر زمان، باطل خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛

چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند.^۲

پس تفقهی مورد مذمت است که هدف آن، الهی و برای اعتلای دین نباشد؛ لذا دلیلی بر ذم همه فقهای آخرالزمان نیست.

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۶.

۲. توبه، ۱۲۲.

عبارت «رَأَيْتَ الْمَتَابِرَ يُؤَمِّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يُأْمُرُ» که ممکن است کسی از آن مذمتی برای فقهای آخرالزمان برداشت کند نیز تنها می‌تواند ملاکی برای تشخیص عالم الهی از غیر آن باشد.

روایت دوم

و رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكُونُ أُمَرَاؤُهُمْ عَلَى الْجُورِ وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَقِلَّةِ الْوَرَعِ وَعِبَادَتُهُمْ عَلَى الرِّيَاءِ...؛

از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: زمانی بر امت من فرا رسد که امیرانشان ستمگرند و دانشمندانشان حریصند و عبادت‌کنندگانشان ریاکارند...^۱.

این روایت با این نقل، بدون ذکر سند تنها در کتابی اخلاقی به نام *أعلام الدین فی صفات المؤمنین* در قرن نهم ذکر شده است. البته در نقل شعیری در *جامع الأخبار* (قرن ششم) عبارت این‌گونه است: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ أُمَرَاؤُهُمْ يَكُونُونَ...»^۲ که عبارت «امتی» در آن نیست. آن‌گونه که حسن بن محمد دیلمی در مقدمه کتاب *أعلام الدین* آورده، ایشان احادیث را از حفظ نوشته و به منابع دسترسی نداشته است؛^۳ از این رو ممکن است در این نقل، به اشتباه «علی الناس» را «علی امتی» ثبت کرده باشد.

گذشته از بحث سندی، این روایت نیز می‌تواند ملاکی برای تشخیص عالمان ربانی از غیر آن باشد. عالمانی که بوی طمع در قلم و بیان و سبک زندگی آن‌ها مشاهده شود، نباید به آن‌ها اعتنا و اقتدا کرد. پس این روایت هم بر مذمت فقهای شیعه در آخرالزمان دلالتی ندارد.

روایت سوم. خطبه رسول خدا ﷺ:

أَيُّهَا السَّائِلُ عَنِ السَّاعَةِ تَكُونُ عِنْدَ حُبِّ الْأُمَرَاءِ وَ مَدَاهِمَةِ الْقُرَاءِ وَ نِفَاقِ الْعُلَمَاءِ؛

ای کسی که از قیامت سؤال کردی، قیامت وقتی است که امیرها و حکام خبیث باشند و

۱. دیلمی، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، ص ۲۸۵.

۲. شعیری، *جامع الاخبار*، ص ۱۳۰.

۳. دیلمی، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، ص ۲۳.

قاریان چاپلوس باشند و در علما نفاق باشد.^۱

این روایت نیز همچون روایت قبل تنها در کتاب اخلاقی *إرشاد القلوب إلى الصواب* از همان نویسنده و بدون ذکر سند آورده شده است که پاسخ قبل نیز برای آن مناسب خواهد بود.

روایت چهارم. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

إذا خرج القائم ينتقم من أهل الفتوى بما لا يعلموا فتعسأ لهم ولأتباعهم أو كان الدين ناقصاً
فتمموه أم كان به عوجاً فقوموه؛

زمانی که قائم قیام کند از اهل فتوا [فتوا دهندگان] انتقام می‌گیرد؛ کسانی که ندانسته از خود فتوا می‌دادند. وای بر آن‌ها و پیروان و تابعانشان. آیا دین ناقص بود که آن‌ها کاملش کنند؟ یا در آن، کجی و ناراستی بود که آن‌ها راستش کنند؟^۲

این عبارت با اختلاف زیادی از آنچه در متن مشاهده می‌شود، در میان یک روایت طولانی در کتاب کلامی *الزام الناصب* در قرن چهاردهم آمده است. برای این روایت سندی ذکر نشده و تک روایتی است که به جز در این کتاب در هیچ کتاب دیگری یافت نمی‌شود. بر فرض چشم‌پوشی از سند، باید گفت شکی نیست عالمانی که از خود و بدون علم کافی به بازی با دین خدا دست زده‌اند، در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام بدترین وضعیت را خواهند داشت؛ لذا چاره‌ای جز مقابله با آن حضرت علیه السلام ندارند که آن‌ها را رسوا خواهد کرد. پس این روایت هم دلیل بر مذمت همه عالمان در آخرالزمان نخواهد بود، مگر آن عالمانهایی که از اول تاریخ مورد مذمت و نکوهش بوده‌اند؛ لذا از این روایت نیز اختصاص فهمیده نمی‌شود.

دسته سوم. بی‌ارتباط با موضوع

تعدادی از روایات مورد استفاده معاندان و فرق انحرافی در این موضوع، روایاتی هستند که دلالت صریح و حتی ضمنی نیز بر مذمت فقها ندارند. در این موارد بیشتر از این دسته روایات سوء برداشت‌هایی شده که عموماً به دلیل عدم درک صحیح روایت می‌باشد.

۱. دیلمی، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، ج ۱، ص ۶۷.

۲. یزدی حائری، *إلزام الناصب*، ج ۲، ص ۱۸۹.

روایت اول

عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمَرَ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِي الشَّيْعَةِ فَفَتَلَهُمْ؛
مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: اگر قائم ما قیام کند، از شیعیان دروغ گو و
تکذیب کننده آغاز می کند و آن ها را می کشد.^۱

روایت فوق روایاتی است که تنها در کتاب رجال کشی علیه السلام ذکر شده است. اینکه بتوان از آن در
راستای مذمت فقها و علمای آخرالزمان استفاده کرد، جای اشکال است که به چند نکته اشاره می شود:
الف. آنچه در این کلام مد نظر است، دروغ گویان پیرو مذهب شیعه هستند، نه عالمان.
ب. در میان این دروغ گویان، ممکن است عالمی هم باشد؛ ولی نمی توان این روایت را دال بر مذمت
همه فقهای آخرالزمان دانست؛ چون دلالتی بر این معنا ندارد. نکته قابل استفاده این است که اگر در
مقام بیان ملاک باشد، صف شیعیان دروغ گو را از بقیه آن ها جدا کرده است.

روایت دوم

وَقَالَ عليه السلام مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ كَثْرَةُ الْقُرَاءِ وَفَلَّةُ الْفُقَهَاءِ؛

از نشانه های قیامت، فزونی قاریان قرآن و کاستی فقیهان است.^۲

این روایت در کتاب تحف العقول ذکر شده است. با اندک توجه مشخص می شود که این روایت در
صدد بیان کم بودن فقها بوده است، نه مذمت آن ها. کم بودن فقها در آخرالزمان می تواند به دو معنا
باشد:

الف. کم بودن عددی: به این معنا که در این زمان تعداد اندکی به فقاقت در دین خدا روی
می آورند.

ب. کم بودن حقیقی: به این معنا که در این زمان شخصی که آن مشخصه ها و ویژگی های
گفته شده در مورد فقیه را داشته باشد کمتر پیدا می شود.

پس این روایت، با مذمت فقهای آخرالزمان ارتباطی ندارد؛ و الا باید همان عده کم را نیز مذمت
می کرد.

۱. کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۹۹.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۹.

روایت سوم

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ زَائِدَةَ بْنِ قَدَامَةَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْقَائِمِ فَقَالَ أُنَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَسْتَدِرِ الْفَلَكُ حَتَّى يَقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَى وَادٍ سَلَكَ فَقُلْتُ وَ مَا اسْتِدَارَةُ الْفَلَكِ فَقَالَ اخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ بَيْنَهُمْ؛^۱

«نزد امام صادق عليه السلام از حضرت قائم عليه السلام یاد شد. پس فرمود: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که زمانه هنوز چندان گردش نکرده است که گفته شود: او مرده یا هلاک شده؟ در کدام وادی راه می‌پیماید؟ من عرض کردم: منظور از گردش روزگار چیست؟ فرمود: وقوع اختلاف شیعه در بین خودشان».

سند شناسی: محمد بن همام؛ ثقه. ^۲ حمید بن زیاد الکوفی؛ ثقه. ^۳ الحسن بن محمد بن سماعه؛ واقفی ثقه. ^۴ أحمد بن الحسن الميثمي؛ واقفی ثقه صحیح الحدیث. ^۵ زائده بن قدامة؛ توثیقی نشده. عبد الکریم؛ واقفی ثقه. ^۶

این روایت از لحاظ سندى به دليل وجود زائده بن قدامة ضعيف است. از لحاظ دلالت نیز بر مذمت فقها در آخرالزمان دلالتى نداشته و تنها به اختلاف شیعه در آن زمان اشاره دارد.

روایت چهارم

عَنْ مَالِكِ بْنِ صَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا مَالِكُ بِنَ صَمْرَةَ كَيْفَ أَتَتْ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا وَ سَبَّكَ أَصَابِعُهُ وَ أَدَخَلَ بَعْضَهَا فِي بَعْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ. قَالَ الْحَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمًا فَيَقْدَمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ عليه السلام فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ؛^۷

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۱۵۷.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۳۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۳۲.

۴. همان، ص ۴۰.

۵. همان، ص ۷۴.

۶. همان، ص ۲۴۵.

۷. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۶.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «زمانی که شیعه این گونه اختلاف پیدا کند» و انگشتانش را در هم فرو برد. گفتیم: «خیری در آن وقت نیست». فرمود: «تمام خیرها در آن موقع است. ای مالک، در آن موقع، قائم ما قیام می کند و هفتاد مرد را که بر خدا و رسولش دروغ بسته اند، می آورد و همه را به قتل می رساند. آن گاه خداوند همه مردم را بر یک عقیده جمع می کند».

این روایت به سبب عدم توثیق ابی کهمس و مجهول بودن مالک بن صمزه ضعیف می باشد. از لحاظ دلالت نیز - برخلاف انگاشته های مدعیان دروغین - هیچ دلالتی بر مذمت علمای آخرالزمان ندارد. آنچه از روایت برمی آید بیان اختلافی است که در زمان نزدیک به ظهور، بین شیعه رخ می دهد. آن هفتاد نفری که امام علیه السلام آنان را به قتل می رسانند نیز هیچ اشاره ای به عالم یا شیعه بودنشان نشده است و ملاکی که در تشخیص خیر و شر این افراد بیان شده، دروغ بستن بر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

روایت پنجم

وَهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ الْمَدَائِنِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ، مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ... وَ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيُخْرَجُ مِنْهَا سِتَّةَ عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْبُتْرِيَّةِ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ، قُرَاءَ الْقُرْآنِ، فُقَهَاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ فَرَحُوا جِبَاهَهُمْ، وَ شَمَّرُوا ثِيَابَهُمْ، وَ عَمَّهُمُ النَّفَاقُ، وَ كَلَّهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، ارْجِعْ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ. فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ؛

امام باقر علیه السلام می فرماید: قائم علیه السلام به سوی کوفه رهسپار می شود. در آنجا شانزده هزار نفر از بتریه، مجهز به سلاح در برابر او می ایستند. آنان قاریان قرآن و فقها در دین هستند. پیشانی های آن ها از عبادت بسیار پینه بسته و چهره های آن ها بر اثر شب زنده داری زرد شده است؛ اما کاملاً منافق هستند. همگی می گویند: «ای فرزند فاطمه، برگرد؛ زیرا ما به تو نیازی نداریم». پس قائم علیه السلام در پشت شهر نجف، از عصر روز دوشنبه تا شامگاه، بر آنان شمشیر می کشد و همه آن ها را بدون توقف می کشد.^۱

سند شناسی روایت: ابی الجارود (زیاد بن منذر): مرحوم خوئی علیه السلام بعد از پاسخ به اشکالات متعدد و

۱. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۵۵.

رد روایاتی که در مذمت وی بیان شده، او را با عبارت «فالظاهر أنه ثقة» توثیق می‌کند.^۱ محمد بن همام البغدادی: جلیل القدر، ثقة.^۲ ابو الحسین محمد بن هارون بن موسی: توثیقی در مورد او نداریم؛ اما نجاشی رحمته الله در مورد وی تعبیر «رحمه الله» به کار برده است.^۳ این تعبیر نجاشی می‌تواند اماره‌ای بر حسن این راوی باشد؛ کما این که وحید بهبهانی رحمته الله با بیان «ترحم علیه نجاشی» می‌نویسد: «یظهر منه حسن حاله»؛^۴ در نتیجه شخص راوی، از «مجهول» به «حسن» تغییر خواهد کرد. حسن بن بشیر: مجهول است.^۵ مرحوم مامقانی: «ظاهراً او امامی است».^۶ علی بن اسباط: نجاشی او را توثیق کرده است.^۷ در نتیجه این روایت به سبب حسن بن بشیر که مجهول است، ضعیف می‌باشد.

تحلیل دلالی: فرقه بتریه یکی از انشعابات فرقه زیدیه است که معتقدند پیامبر صلی الله علیه و آله خلافت را به دو خلیفه اول اهل سنت داده و منکر رجعت نیز هستند؛^۸ لذا این روایت با فقه‌های امامیه ارتباطی ندارد.

روایت ششم

قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَعْرِفُونَ الْعُلَمَاءَ إِلَّا بِثُوبٍ حَسَنٍ وَلَا يَعْرِفُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا بِصَوْتٍ حَسَنٍ وَلَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَلَا حِلْمَ لَهُ وَلَا رَحْمَ لَهُ؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی زمانی بر امت من بیاید که علما را جز به لباس نیکو نشناسند و قرآن را جز به صدای خوش و خدا را جز در ماه رمضان عبادت نکنند. هرگاه چنین زمانی فرا رسد، خداوند، فرمان‌روایی بر آنان مسلط کند که نه علم دارد و نه بردباری و نه رحم.^۹

این روایت نیز تک روایتی است که در قرن ششم و بدون سند ذکر شده است. اما از لحاظ دلالت

۱. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۵.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۳۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۷۹.

۴. بهبهانی، تعلیقه علی منهج المقال، ص ۲۹۵.

۵. طوسی، رجال، ص ۳۵۷.

۶. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱۹، ص ۶.

۷. نجاشی، رجال، ص ۲۵۲.

۸. سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۷، ص ۴۵۴.

۹. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۳۰.

باید گفت این روایت در مذمت مردمی است که شناخت آن‌ها از علما، در ظاهر ایشان، خلاصه شده است و به میزان تقوا و علم ایشان توجهی ندارند؛ پس این روایت نیز با موضوع مذمت فقها ارتباطی ندارد.

روایت هفتم

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛

امام صادق ع فرمود: هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت] او کسانی بیرون می‌روند که همواره چنین به نظر می‌رسید از یاران او باشند. و به امر [ولایت] او در می‌آیند آنانی که شبیه خورشیدپرستان و ماه‌پرستانند.^۱

این روایت از لحاظ سندی به سبب مجهول بودن علی بن الصباح و وجود عبارت «من سمع»، از روایات مرسل مجمل است که از سلسله سند کسی حذف نشده است؛ ولی لفظی که ذکر شده، راوی را مشخص نمی‌کند. این روایت -همچون روایات قبل- از لحاظ دلالت، بر مذمت فقهای آخرالزمان دلالتی ندارد؛ چرا که عبارت «من کان یری من اهله»، هر مسلمانی را شامل می‌شود که اعتقادی به حضرت داشته باشد.

توجه به چند نکته دیگر که در توضیح این روایات لازم است.

- الف. هیچ یک از این روایات، به مذمت فقهای شیعه در آخرالزمان تصریح ندارند.
- ب. اگر اطلاق ذم فقها که فرقه‌های انحرافی به دنبال اثبات آن هستند و برای اثباتش به هر رطب و یابسی تمسک کرده‌اند درست باشد، علمای همین فرقه‌ها قطعاً داخل در این دایره خواهند بود.
- ج. همان‌گونه که مشاهده شد، بیشتر این روایات، از لحاظ سندی دچار ضعف بودند.
- د. این روایات معمولاً از کتاب‌هایی اقتباس می‌شوند که در قرن‌های اخیر نگاشته شده‌اند و موضوع آن‌ها یا اخلاقی یا کلامی است و به عنوان کتب روایی به آن‌ها نگاه نمی‌شود. همان‌گونه که مشخص است در این‌گونه کتاب‌ها چون بنا بر طرح مباحث اخلاقی است، ضعف روایت دلیل بر عدم ذکر آن‌ها نمی‌باشد و به حکم «اخبار من بلغ» از روایات ضعیف هم بهره می‌برند. کتاب‌هایی چون: بیان

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۷.

الائمة العترة، الزام الناصب، يوم الخلاص، بشاره الإسلام، إرشاد القلوب، جامع الأخبار (لشعیری)، دلائل الامامة و... از این دسته می‌باشند.

هـ بسیاری از این روایات به صورت تک روایت هستند که در کتب دیگر، از آن‌ها ذکر نشده است.

ملاک‌های تشخیص عالم الهی از غیر الهی

زیر سؤال بردن مرجعیت و فقها از طرف مدعیان دروغین، در حالی است که روایت‌های متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام بر لزوم تمسک افراد غیر متخصص به افراد متخصص در امر دین دلالت دارد. همان‌گونه که در تاریخ، ذکر فقهای شرّ به میان آمده است و نمونه‌هایی از آن‌ها را نام برده‌اند، امکان وجود این دسته از فقها در زمان حال و آینده نیز انکار ناپذیر است. اما سؤالی که مطرح است این است که آیا در دین، ملاکی برای شناخت فقیه خوب از بد بیان شده است؟ در ادامه با استفاده از روایات به صورت مختصر به این ملاک‌ها اشاره می‌شود:

۱. پرهیز از دنیاطلبی و ریاست‌جویی؛^۱

۲. عدم پیروی از سلطان (ظالم)؛^۲

۳. راست‌گویی؛^۳

۱. در روایت صحیحی که قبلاً گذشت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «... وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرَّئَاسَةَ...» و می‌بینی که فقیه تفقه او برای غیر دین است و بدان طلب دنیا و ریاست را منظور کرده است» (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۴۰).

۲. در روایت موثق از کافی شریف که قبلاً ذکر آن گذشت آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْفُقَهَاءُ أُمَّاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَأَخَذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ؛ رسول خدا فرمود: دانشمندان فقیه تا هنگامی که وارد دنیا نشده‌اند امین پیغمبرانند. عرض شد یا رسول الله، معنی ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی سلطان، پس چون چنین کنند در مورد دینتان از ایشان برحذر باشید» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶).

۳. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیانی پیرامون فضائل علم می‌فرمایند: «... لِلسَّانَةِ الصِّدْقُ...؛ زبان علم، صداقت است» (کافی، ج ۱، ص ۴۸). علامه مجلسی در شرح این فراز می‌نویسند: «لأنه إذا لم يكن مع العلم الصدق كان كالأبكم، إذ كما أن الأبكم لا ينتفع الناس بمنطقة فكذا العالم الكاذب لا ينتفع الناس بإفادته، لعدم اعتمادهم عليه؛ این بدان سبب است که وقتی در کنار علم صداقت نباشد، مثل انسان گنگ می‌شود و همان‌گونه که او با نطقش به مردم نفعی نمی‌رساند، عالم دوغ‌گو نیز با بیان خود نفعی برای مردم نخواهد داشت» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۵۶۹).

۴. هماهنگی قول با عمل؛^۱

۵. نگرهبانی از نفس خود، محافظت از دین، مخالفت با هوای نفس و اطاعت از امر خدا.^۲
پس در دین، ملاک‌هایی برای تشخیص عالمان ربّانی از غیر آنها بیان گردیده است که به گوشه‌ای از آنها اشاره شد. شرح و تفصیل این ویژگی‌ها - که بسیار مهم می‌باشند - در این مجال نمی‌گنجد.

نتیجه

در فرهنگ دینی، عالمان و فقیهان، متخصصان در فهم دین معرفی شده و پاسبان معارف دینی هستند؛ از این رو اهل بیت علیهم‌السلام افراد غیر متخصص در امور دینی را به این افراد مراجعه داده‌اند. این مهم در دوران غیبت که دسترسی به امام و حجت الهی مقدور نیست، ضرورتی دوچندان یافته و برای رجوع به عالمان دینی تأکید بیشتری وجود دارد. از طرف دیگر، مدعیان دروغین در جهت القای انحراف‌های فکری خود، وجود فقیهان را مانعی بزرگ برای خود دیده و در تخریب چهره و جایگاه ایشان می‌کوشند. شگرد مدعیان در این زمینه، سوءاستفاده از روایات می‌باشد. در این تحقیق با ذکر این دسته از روایات و بررسی سندی و تحلیل دلالتی تک‌تک آنها و دسته‌بندی از لحاظ دلالت بر موضوع، مشخص شد که بیشتر این روایات اصولاً ارتباطی با بحث مذمت فقها در آخرالزمان ندارند. در موارد مرتبط هم روشن شد که این روایات، عام بوده و همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی روشن شد، همه زمان بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شامل می‌شود و به زمان مشخصی اختصاصی ندارد.

۱. کلینی در کتاب کافی در کتاب فضل العلم در باب صفة العلماء چند روایت در ویژگی‌های لازم برای عالم، چهار روایت صحیح و سه روایت مرفوعه نقل کرده که از آن جمله، روایتی است از امام صادق علیه‌السلام که راجع به آیه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ تنها بندگان دانشمند خدا از او ترس دارند» فرمودند: «مَنْ صَدَّقَ فَعَلُهُ قَوْلُهُ وَ مَنْ لَمْ يَصَدَّقْ فَعَلُهُ قَوْلُهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ؛ [مراد از دانشمند،] کسی است که کردارش گفتارش را تصدیق کند و کسی که چنین نباشد، عالم نیست» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶).

۲. امام حسن عسکری علیه‌السلام ضمن بیانی طولانی، به بیان معیارهای فقیه مورد تأیید پرداخته و روشن ساختن تکلیف دیگران را در برابر آنها فرمودند: «... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالَفاً عَلَى هَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛ اما آن کسی از فقها که نگهبان نفس خود و حافظ دینش و مخالف هوای نفس و مطیع امر خدا بود، بر عوام لازم است از او تقلید کنند» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸). این روایت از لحاظ سندی، دچار مشکل است؛ اما می‌توان به عنوان مؤید در تعیین معیار به آن نظر داشت (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۳).

منابع

قرآن

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، ۱ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۳. _____ من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامی، ۴ جلد، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، ۱ جلد، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۷۲.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، الشریف الرضی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۲ق.
۸. _____ أعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ق.
۹. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، حیدریه، چاپ اول، نجف، بی تا.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، نشر مرتضی، ۲ جلد، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، بعثت، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال، نشر اسلامی، ۱ جلد، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۳.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الإسلامية، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۵. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۳۶ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۳۱ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، دار الکتب الإسلامية، ۲۶ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، الرسالة الأولى فی الغیبة، دار المفید، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال، نشر اسلامی، ۱ جلد، چاپ ششم، قم، ۱۳۶۵ش.
۲۱. یزدی حایری، علی، إلیزام الناصب، اعلمی، ۲ جلد، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ق.

پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی موضوعات پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان‌نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

معرفی موضوعات پژوهشی

بررسی روش کلامی شیخ حر عاملی در پاسخگویی به شبهات در عرصه آموزه مهدویت
نقش پژوهش های استشرافی در انحرافات کلامی جریانات انحرافی مهدوی در روزگار معاصر
گونه شناسی و سنخ شناسی منابع کلامی مورد استناد مستشرقان در رویکرد به آموزه مهدویت
سبک شناسی پژوهش های کلامی خاورشناسان در عرصه آموزه مهدویت
رویکرد شناسی علامه جوادی در تبیین آموزه مهدویت در کتاب «امام مهدی موجود موعود»

منبع: کتاب نیازسنجی مهدویت پژوهی، ص ۱۲۹.

معرفی پایان نامه‌های مهدوی

عنوان: بررسی مسئله‌ی امکان ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ در عصر غیبت

پدید آورنده: مظهر علی رضوی

چکیده

خلاصه مطالبی که در این پایان نامه آمده از این قرار است. این رساله جهت بیان مطالب و موضوعش، از مقدمه آغاز و به مباحث اصلی تحقیق در ضمن پنج فصل و یک خاتمه پایان یافته است. به این صورت که در فصل اول به کلیات تحقیق و بیان طرح تحقیق پرداخته شده است. غیبت از نظر لغت؛ یعنی آنچه از چشم پنهان است و دیده نمی‌شود. به دیگر سخن یعنی غیبت آن چیزی است که مقابل شهادت باشد.

غیبت در اصطلاح روایات: دو نوع غیبت برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه قابل تصور است. امکان در لغت به معنی قادر گردانیدن بر کاری و در اصطلاح فلان چیز ممکن است، به این معنی که آن چیز ممتنع نمی‌باشد. ظهور به معنی آشکار شدن است در مقابل غیب و پنهان بودن. رؤیت؛ دیدن با چشم و قلب است. مشاهده؛ همان معاینه و عیان شدن است چنانکه حضور و حاضر بودن از این لغت فهمیده می‌شود.

منظور از بحث ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه آنچه محل بحث ما بوده ملاقات با بدن ظاهری در حال بیداری است که این بهترین دلیل بر اثبات وجود مبارک آن حضرت است. در فصل سوم به دلایل امکان ملاقات پرداخته شده است؛ دلیل عقلی یعنی اینکه عقل دیدن و مشاهده آن حضرت را ممکن می‌داند.

دوم روایات که امکان ارتباط از نظر روایات وجود دارد و غیبت به معنای نفی ارتباط به صورت کلی نیست. آنچه از مجموعه روایت به دست آمده این است که در زمان غیبت کبری نیز عده‌ای از خواص شیعه و یا حداقل به عنوان همراهان حضرت با او حشر و نشر داشتند. قری ترین دلیل تحقق عینی و خارجی ملاقات و تشرفات است؛ زیرا بهترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع خارجی آن است همین طور تایید علماء شیعه و آرای و اجماع علماء و وجود اعمال و ادعیه در منابع معتبر شیعه و عمل به آن

دلیل محکم بر امکان ملاقات آن حضرت است. اثبات اصل قضیه امری مسلم است. پافشاری کسانی که بر انکار ملاقات اصرار دارند، غیر مستدل و ناصواب است.

در فصل چهارم؛ دیدگاه منکرین و توجیه دلایل آنان است که در این فصل مطرح شده است، برجسته ترین دلیل ارائه شده از سوی این دیدگاه دلیل توفیق است که مایه دلگرمی آنان گردیده است. ولی بعد از بحث همه جانبه و بررسی جامعی در مورد آن به این نتیجه رسیدیم که سند توفیق طبق تصریح شیخ صدوق کامل و صحیح است. اما متن توفیق و با تأمل در کلمات به کار رفته که هر کدام به طور حکیمانه و حساب شده توسط حضرت لحاظ شده است متوجه گروه خاصی است و قصد دارد که با توجه به زمینه‌های بروز و ظهور افرادی، در آینده و زمان غیبت کبری جلوی مدعیان دروغین و مدعی باییت و نیابت خاصه را از پیش بگیرد، این هرگز به کسانی که بنابر اقتضای مصالح خاصی آن هم تنها به تصمیم یک جانبه حضرت به آنان اذن تشریف داده شود اشاره ندارد.

غیر از این هیچ دلیلی وجود ندارد که حضرت در غیبت کبری به طور مطلق از مردم و شیعیان قطع ارتباط نموده باشد؛ بلکه روایات و نقل تشرفات اتفاق علماء خلاف آن را اثبات نموده است.

در فصل پنجم به بیان برخی شبهات که وارد شده یا ممکن است مطرح شود پرداختیم و سرانجام به این برآیند می‌رسیم که امکان ارتباط و دیدار با حضرت در زمان غیبت کبری نه تنها ممکن است؛ بلکه واقع شده است.

کلید واژه: غیبت، ملاقات، امکان، رؤیت، توفیق، اذن تشریف

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر محمد جعفر حسینیان

دانشگاه: مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، سال: ۱۳۸۶

عنوان: بررسی و تحلیل تفسیر المیزان در مورد آیات مرتبط با یهودیت

پدید آورنده: سید محمد علی طباطبایی

چکیده

نگارنده در این پایان نامه با نگاهی روش شناختی به بررسی عملکرد تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت می‌پردازد. البته برای آشنایی با پیشینه تفسیر این آیات و تأثیر آن بر کار علامه، در فصلی مستقل سنت تفسیر اسلامی از ابتدا تاکنون مورد بررسی قرار می‌گیرد تا شناختی اجمالی از روش‌های تفسیری مفسران مسلمان در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت به دست آید. از مجموع این پایان نامه بر می‌آید که مفسران مسلمان در تفسیر این آیات بیشتر بر روش‌های قرآن به قرآن و روایی تکیه کرده‌اند و موارد بسیار نادری از رجوع آنان به منابع برون دینی و آگاهی تخصصی ایشان از ادیان دیگر (به ویژه یهودیت) مشاهده می‌شود. علامه طباطبایی نیز بسیاری از آیات مرتبط با یهودیت را با روش قرآن به قرآن و گاهی با استفاده از روایات تفسیر کرده است. البته اعتقاد او به اینکه «قرآن با تورات تفسیر نمی‌شود» مانع از آن نشده که گاهی به تناسب بحث به سراغ کتاب مقدس یهودیان برود. در اینجا روش علامه جدلی و مدافعانه است. به جز تورات، منبع یهودی دیگری در میان کتاب‌های مورد استناد علامه به چشم نمی‌خورد.

حاصل آنکه سنت تفسیر اسلامی از ابتدا تا زمان نگارش المیزان، شاهد تغییرات چندانی در روش‌های تفسیر آیات ادیانی (به ویژه آیات مرتبط با یهودیت) نبوده است. بیشتر مفسران مسلمان، از جمله علامه طباطبایی، دارای آشنایی تخصصی و عمیق با یهودیت نبوده‌اند و منابع اصلی، زبان، فرهنگ و اعتقادات گذشته و حال یهودیان را به خوبی نمی‌شناختند. به همین دلیل در تفسیر این آیات صرفاً از آیات قرآن، روایات و پاره‌ای اطلاعات پراکنده از این سو و آن سو بهره برده‌اند و این حاکی از ضرورت ایجاد تخصصی مستقل در دانش تفسیر برای تفسیر آیات مرتبط با یهودیت است.

کلید واژه: روش شناسی تفسیر، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، آیات مرتبط با یهودیت

استاد راهنما: جناب آقای دکتر مهرباب صادق نیا

دانشگاه: ادیان و مذاهب، سال: ۱۳۹۱

عنوان: بررسی و نقد نظرگاه خدانشناسی بایان و بهایان

پدید آورنده: احمد فاضل پور

چکیده

از ابتدای ظهور اسلام تا کنون، شاهد پیدایش مدعیان فراوانی در زمینه هدایت انسانها به مسیر شناخت خداوند متعال بوده‌ایم، که هر کدام با ترفندهایی مختلف، پیروانی پیدا می‌کردند. این تحقیق با رویکردی توصیفی تحلیلی در پی شناخت نظرگاه بایان و بهایان در مسئله خدانشناسی می‌باشد.

پژوهش پیش رو در چهار فصل نگاشته شده است؛ در فصل اول در دو گفتار مفاهیم کلیدی که در این پایان نامه به کار رفته است و کلیات این طرح را توضیح می‌دهد. فصل دوم مباحث معرفتی شناخت خداوند مثل امکان شناخت خداوند متعال و راههای شناخت خداوند متعال در بهابیت مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. فصل سوم دیدگاه بایان و بهایان در مباحث توحید نظری را تبیین و آنها را مورد نقد قرار داده است. در فصل چهارم به مرحله مرسوم در کتب کلامی یعنی مبحث توحید عملی وارد شده و دیدگاه آنها را مورد تحلیل و نقد قرار داده است.

بهایان با تبلیغات وسیع در رسانه‌ها و فضای مجازی قصد دارند خود را به عنوان دینی الهی که ادامه دهنده راه انبیای گذشته و به عنوان موحدان حقیقی در عالم معرفی کنند. این تحقیق در صدد روشن کردن همین ادعای آنان می‌باشد که آیا می‌توان اهل این فرقه را در زمره موحدان عالم به حساب آورد. از مجموع پژوهشهای به عمل آمده می‌توان این را نتیجه گرفت که اگر بایان و بهایان این کلمات را با علم به معنای آنها می‌گویند می‌توان آنها را مشرک اسمی خواند. در مورد رهبران بهایان می‌توان به صراحت این ادعا را کرد که تمام این کلمات را با قصد جاه طلبی و فریب مردم بیان کرده‌اند. اما رهبر بایه سخنانش بیشتر ناشی از تشویش خاطر و ضعف روان دانست.

کلید واژه: توحید، الوهیت، مظهریت و تجلی، حسینعلی نوری، علی محمد شیرازی

استاد راهنما: استاد کلباسی

دانشگاه: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم-رساله علمی سطح ۳، سال: ۱۳۹۳

عنوان: بررسی ویژگی‌های دولت مهدوی با رویکرد روایی

پدید آورنده: زهره باشیان

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «بررسی ویژگی‌های دولت مهدوی با رویکرد روایی»، به تبیین ویژگی‌های دولت (که در واقع همان قوای اجرایی حکومت جهانی است) پرداخته است. این موضوع، یکی از مباحث آینده‌پژوهی در حیطه ی مهدویت به شمار می‌رود و با توجه به عدم تحقق چنین حکومتی تا به امروز، منابع روایی و اخباری که از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه رسیده است، می‌تواند بهترین مرجع برای ترسیم ویژگی‌های دولت مهدوی باشد.

هر چند سازماندهی مطالب بر رجوع به کتب روایی معتبر استوار است؛ اما تفاسیر شیعی و اهل سنت و نظرات اساتید تفسیر و نیز صاحبان اندیشه در حوزه مباحث مهدویت، کمک شایانی به جمع بندی و تحلیل روایات نموده است.

پس از پرداختن به کلیات مرتبط با بحث، طرح مباحثی پیرامون حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام در فصل اول از بستری است که دولت مهدوی در آن شکل می‌گیرد و در جهت تحقق اهداف این حکومت گام بر میدارد. لذا این فصل در دو بخش ضرورت تحقق حکومت جهانی و لوازم تشکیل آن ارائه گردیده است تا نمایی کلی از حکومت و دولت مهدوی را ترسیم نماید.

در بخش اول از فصل دوم، ویژگی‌های دولت مهدوی از حیث گستره و مرکز استقرار آن، مدت آن و سیره حکومتی حضرت مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم، به ساختار دولت مهدی علیه‌السلام از جهت توزیع قدرت اجرایی و نظارتی اشاره شده و مهمترین صفات مجریان و کارگزاران دولت مهدوی بیان گردیده است. در فصل سوم نیز به کارکردهای دولت مهدوی در سه حوزه کلان سیاست، فرهنگ و اقتصاد پرداخته شده و از این منظر، تمایز چشم گیر دولت مهدوی با دولت‌های پیش از ظهور کاملاً مشهود است.

دولت مهدوی دولتی است که بر مبانی توحیدی و اخلاق فاضله ی انسانی استوار است و رهبری حکیمانه ی امام معصوم علیه‌السلام و عملکرد کار گزاران مخلص، جامعه جهانی را به سوی اعتلای ارزش‌های اسلامی و انسانی سوق می‌دهد. دولت آرمانی مهدی علیه‌السلام شور و اشتیاقی در دل‌های بندگان صالح خدا ایجاد می‌کند که تاریخ هیچ حکومتی، به مانند آن را سراغ ندارد. عملی نمودن روش اجرایی ومدیریتی حضرت مهدی علیه‌السلام در اداره جامعه جهانی، می‌تواند راهگشای بسیاری از بحران‌های جوامع فعلی باشد و از این طریق، گامی مؤثر در

جهت اصلاح ساختار و محتوای دولت‌ها.

کلید واژه: حکومت جهانی، دولت، دولت مهدوی، سیاست، عدالت، روایت

دانشگاه: اصول دین، سال: ۱۳۸۷

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پورفر

معرفی کتاب‌های مهدوی

۱. امام مهدی عجله الله تعالی فرجه در احادیث شیعه و سنی (انتظار ۴)

نویسنده: محمد امین بالا دستیان، سید محمد روحانی، جواد جعفری، مهدی یوسفیان



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه

کتاب حاضر ضرورت بحث امام مهدی عجله الله تعالی فرجه در احادیث شیعه و سنی را این گونه آورده است:

«مهدویت» از زوایای مختلف قابل بررسی است و پرداختن به آن‌ها از چشم انداز روایات، دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا:

۱- منجی و مهدی از صدر اسلام و بلکه پیش از آن به علت غیر تجربی بودن و حالت پیشگویی داشتن آن، همواره مورد رغبت بوده و سؤالات آن‌ها و پاسخ‌های معصومان علیهم السلام را در پی داشته است.

۲- گسترش روحیه‌ی امید در جامعه و ترویج فرهنگ صحیح انتظار، در تمامی دوران‌ها و معرفی مهدی موعود راستین به نسل‌های مختلف، از طریق روایات امکان پذیر بوده و اکنون نیز بهترین راه برای نیل به این مقصود، همان میراث گرانبه‌ای معصومان علیهم السلام است.

۳- تلاش تاریخی برای جلوگیری از نقل روایات و کوشش دیگران برای دخل و تصرف و حذف بعضی از احادیث نوشته شده و ایجاد شک و تردید در برخی دیگر، ضرورت اهتمام به احادیث در تبیین فرهنگ مهدوی و پاسداری از آن را یادآوری می‌کند.

مطالب این بحث در سه بخش: منابع روایی درباره‌ی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه، احادیث درباره‌ی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه و امام مهدی عجله الله تعالی فرجه در پرتو احادیث، به رشته‌ی تحریر در آمده است که هر یک از بخش‌ها دارای چند فصل است.

مطالعه این کتاب کم حجم، علمی و مفید به فرهیختگان علاقه مند به کسب معارف مهدوی و حدیثی پیشنهاد می‌شود

۲. پژوهشی عقلی درباره‌ی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه (انتظار ۲)

نویسنده: روح الله شاکری زواردهی



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه

در این کتاب نویسنده سعی کرده با بهره‌گیری از روش عقلی، اثبات امامت حضرت ولی عصر عجله الله تعالی فرجه را محور بحث قرار دهد هرچند مباحث مطرح شده در بخش امامت عامه نیز به عنوان پیش فرض بیان می‌گردد تا نتیجه‌ی روشنی به دست آید. در پیشگفتار کتاب آمده است:

در این راستا چهار مقدمه برای اثبات امامت حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه بیان می‌شود:

۱- ضرورت وجود امام (وجوب امام)

۲- اوصاف امام (مانند عصمت)

۳- مصداق یابی به واسطه‌ی برهان سبر و تقسیم منطقی

۴- وجود حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه

پس در استدلال، این مقدمات به کار خواهد رفت که سه مقدمه آن عقلی و مقدمه چهارم حسی است که هیچ‌گونه ضروری به عقلی بودن استدلال وارد نمی‌کند.

مطالعه این کتاب کم حجم علمی، به دانشجویان و طلاب و فرهیختگان، توصیه می‌شود.

۳. کتاب پله پله مهربانی (فرهنگ نامه ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده: مجید ملامحمدی



انتشارات: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

«پله پله مهربانی» حاصل چند ماه تلاش برای باز آفرینی کتاب «فرهنگ نامه ی مهدویت» به زبان نوجوانان است، نویسنده بنا به درخواست مرکز تخصصی مهدویت، با متنی روان و موجز و به کارگیری شعر و حکایت و نثر ادبی، اصطلاحات و واژه‌های مهدوی را برای نوجوانان قابل فهم و جذاب نموده است. مؤلف در این اثر ارزشمند، حدود صدویست واژه را انتخاب، تبیین و توضیح داده است

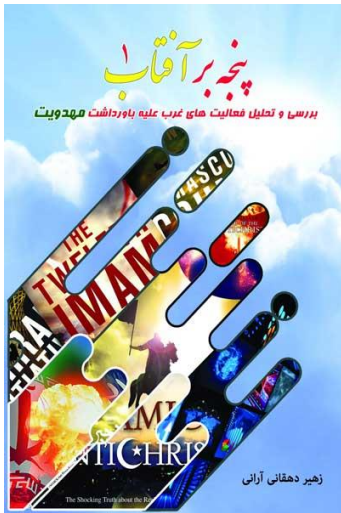
«پله پله مهربانی» با قلم آقای مجید ملامحمدی به رشته تحریر در

آمده است و می‌تواند منبع مناسب آموزش واژه‌ها و اصطلاحات مهدوی برای تدریس معلمان و فراگیری نوجوانان باشد.

۴. پنجه بر آفتاب (بررسی و تحلیل فعالیت‌های غرب علیه باورداشت مهدویت)

نویسنده: زهیر دهقانی آرانی

ناشر: مرکز تخصصی مهدویت



مهدویت به همان اندازه که به دلیل تصویر سازی از نظام آرمانی توحیدی و عدالت محور، در طول تاریخ برای مسلمانان راستین الگوبخش و امیدآفرین بوده است، دشمنانی نیز در بستر تاریخ داشته و دارد. نظام اعتقادی و سیاسی کنونی غرب، باورهای عمیق و الهام بخش مهدویت را بر نمی‌تابد چرا که تجلی این باور را در تضاد با اهداف و آرمانهای خود می‌بیند به همین خاطر نمی‌توان از داعیه داران اومانیسم و سکولاریسم توقع تحمل ظهور جلوه‌های نوین مهدی باوری در جهان را داشت؛ زین سبب عجیب نیست وقتی با تجلی و رشد باورداشت

مهدویت در کشورهای اسلامی روبرو می‌شود، نظام رسانه‌ای غرب شمشیر از نیام بر کشد و علنا منجی باوری اسلامی را هدف قرار دهد. «پنجه بر آفتاب ۱»، مجموعه نوشتارها و گزارش‌های نگاشته شده توسط گروه «غرب و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت» به همراه تحلیل و نقد مختصر آن‌ها می‌باشد. در این کتاب مطالب در سه گروه «الف - توجه غرب به نقش و جایگاه اسلام در آخرالزمان»، «ب - توجه غرب به منجی اسلامی، چرا و چگونه؟»، «ج - توجه غرب به مهدویت شیعی و منجی باوری در ایران» تقسیم بندی می‌شود. در بخش اول به طور کلی به مطالبی در زمینه نگاه غرب به روایات و دیدگاه‌های آخرالزمانی مطرح شده در اسلام از سویی و تلقی مذهبی گروهی از غربیان از نقش اسلام در آخرالزمان بنابر آموزه‌های دینی خویش پرداخته می‌شود. بخش دوم حاوی مطالبی است که نشان دهنده نوع نگاه غرب به مهدویت اسلامی - فارغ از تعریف شیعی یا سنی - آن است. در این زمینه نوشته‌هایی حاکی از توجه غرب به مهدی باوری میان مسلمانان ارائه شده است. در بخش سوم به طور خاص، توجه غرب به مهدویت شیعی مورد توجه قرار گرفته و در این زمینه گزارش‌هایی از نوع برخورد و حساسیت صاحب نظران و رسانه‌های غربی بر موضوع "امام مهدی به روایت شیعیان" و به تبع آن منجی باوری شیعی در ایران ارائه شده است. مقدمه کتاب هم به طور خلاصه به شیوه و قلمرو

نگاه تبلیغی غرب و رسانه‌های غربی به منجی اسلامی پرداخته است.
«پنجه بر آفتاب ۱» که به قلم جناب زهیر دهقانی آرانی تألیف شده است، در درجه‌ی اول برای فعالان و متخصصان حوزه‌های مسائل دینی، آخرازمانی و سیاسی و در درجه‌ی دوم برای عموم علاقه‌مندان حوزه‌ی مهدویت مناسب می‌باشد.

A survey on Hadiths about reproaching the jurisprudents (Islamic scholars) at the end of Time

Sayyid Ali Kāzimi¹

False claimants of Mahdism have always derogated more valuable issues in the religion, which hinder their activities more than the others. The essential and high position of 'Ulamās (Islamic scholars), as one of the important issues, is one of the false claimants' priorities and they always seek to destroy it; because the deviants know that the true scholars are like a big obstacle to their way hence, they consider the only way to win is to pass this obstacle facing. Also, they believe that the most effective way to destroy the status of the scholars is to use religious means, so they seek to destroy or weaken this position by citing some Hadiths.

After clarifying the sayings of the Hadiths about the importance of referring to the scholars, this article by using a descriptive-analytical method attempts to examine and criticize the arguments of the false claimants in condemning 'Ulamās (Islamic scholars) of the end of Time; and finally, this article clarifies the various scopes of this issue by stating the criteria for distinguishing the divine scholars from the non-divine ones. By studying and forming an Islamic narrative collection in this field, it becomes clear that the Hadiths in this field are divided into three categories in terms of meaning: explicit, non-explicit, and unrelated narrations. According to this survey, it becomes clear that firstly, many of these narrations are weak in terms of documentation; secondly, they are often not found in the old and earlier Hadith books; thirdly, in terms of content, the Hadiths do not imply what those claimers say; and fourthly, false claimants have in some cases intersected the Hadiths, and in some cases, they have gone wrong due to an incorrect understanding of the Hadith.

Keywords: the end of Time, jurists (Islamic scholars), false claimants, Mahdism doubts.

1. PhD student of *Maw'ūd (the Promised) Institute*.

Strategies for facing up to inducing doubts of cyberspace in the field of Mahdism

Mustafā Ebrāhimi¹

Nowadays concerning religious issues, we are faced with intentional doubts by various malicious individuals and groups, especially in the cyberspace context.

In the past, ordinary people were not generally involved with specialized and academic subjects, and society was not often faced with doubts in the field of religious teachings. As regards the present state of society and the ever-increasing diffusion of the media and virtual space, a community groundwork has been provided for the maximum publication and distribution of religious questions and doubts, especially in the field of Mahdism; and it is continuously influencing the people, especially teenagers and young people. Hence, religious centers, as influential social institutions, are facing major challenges and also opportunities in dealing with cyberspace. On the one hand, they are assigned to protect the religious beliefs, and teachings and specially Mahdism, from doubts; and on the other hand, they should use modern technology and the vast virtual space to publish and distribute religious subjects and to deal with anti-religious doubts.

In this present paper, with the view of governmental and specialized solutions in the public and personal propagandistic constitutions, we discuss some solutions to confront the religious challenges especially in the field of Mahdism in the virtual space. The researcher, in this article, tries to collect different experts' opinions to study various ways of dealing with the influence and suspicion of the enemy through cyberspace in the minds of the public to help protect the users of cyberspace from deviation. have been.

Keywords: the strategies of confrontation, doubting, cyberspace, Mahdism.

1 Graduate student of level 3 at *Mahdism Specialized Center*, and a student of level 4 at the *seminary of Qom*.

The effect of believing in Imam Mahdi (pbuh) in individual ethics' perfection from the supreme leader's viewpoint

Ma'sūmah Qāsimfām¹

Mardiyah Qāsimfām²

The present paper by using a descriptive-analytic method aims to study the impact of believing in Imam Mahdi (pbuh) on the perfection of individual ethics in the light of the statements of the supreme leader of the Islamic revolution, Imam Khamenei (may Allah prolong his life). To believe in Mahdism has increasing psychological and physical positive effects on the believers and guards them against the external and internal corruption in the universe. The result of this study is that based on the sayings of Āyat Allah Khamenei, creating and strengthening a religious world-view and seeking nearness to Allah, and making a firm belief in the Imam and an unbreakable connection with him are among the consequences of believing in Mahdism in the field of the development of individual epistemological ethics. Some of the examples of this impact on practical and behavioral development are such as self-refinement, being hopeful for a bright future, fighting against hopelessness, patience and resistance in confrontation with woes and miseries for a better future, creating a double attempt and more growth and vitality in the path of individual life, creating the stance of commitment and responsibility in the individual, dissatisfaction with the current situation and seeking to gain the desired situation and feeling of pacification.

Keywords: behavioral ethics, individual ethics, epistemological ethics, the supreme leader of the revolution, Mahdism.

1. Ph.D. Student in theoretical foundation branch at the University of Islamic Sciences.

2. Student of level 3 of Fiqh and Usūl at Ma'sūmiyah Institute of Higher Education (IHE)..

Teachings of Ghadīr-e Khumm, and the refutation of intellectual deviance in the discourse of Imamate and Mahdism

*Javād Ishāqyān Dorche*¹

*Hujjat Heydari Charāī*²

Ghadīr-e Khumm as an important historical Islamic fact has been a turning point in the explanation of the Imamate and the continuation of the Islamic movement. The holy prophet Muhammad (pbuh), according to divine order, traced the inseparable correlation between Imamate and the governance and administration of worldly affairs, stating that the criterion of truth is the divine path of God in the form of infallible Imams, and this will continue until the end of Time and the appearance of Imam Mahdi (pbuh) Therefore, according to Ghadīr's texts including Ghadir's sermon and Ghadīriyah Ziyārat, deviant ideas such as secularism, pluralism, different interpretations from religion, tolerance in making relation to enemies and opponents, and misconceptions of Khātamiyyat (termination of Prophethood) and Mahdism will be invalidated.

Keywords: Ghadīr-e Khumm sermon, Ghadīriyah Ziyārat, Wilāyat (divine guardianship), Imamate, intellectual deviance, Khātamiyyat (termination of Prophethood), Mahdism.

-
1. Professor at the Mahdism Specialized Center.
 2. Dean at Research Group of the Criticism of Deviant Sects.

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

فصلنامه علم تخصصی
مطالعات مهدوی

Tenth Year, Vol. 52, summer 1400 (2021)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

<p>Responsible Manager: Clergy of Islam and Muslimin Mahdi Yousefiyan</p> <p>Editor in Chief: Sa'eed Tavasoli Khah</p> <p>Internal Manager and Editorial Staff: Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi</p> <p>Editor: Mohammad Reza Mojiri</p> <p>Translator: Hujjat al-Islam Hamid sa'adat</p>	<p>Editorial Board (Alphabetically Ordered):</p> <p>Tavasoli Khah, Sa'eed (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Heidari Charati, Hojjat. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Kamyab, Moslem. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)</p> <p>Moslehi, Ali. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Ma'navi, Seyyed Mojtaba. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)</p> <p>Mollaei, Hasan. (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)</p> <p>Contributors of this Issue: Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati</p>
---	---

Address: Mahdism and Messianism Research Center of
Intezar Pouya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley,
Shohada St. (Safaeeyeh), Qom.

Tel: 025-37841410

Fax: 025-37737160

P.O.B: 37135119.

Website: <http://mamdimag.ir>

Email: mahdimag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 950000 Rials

